



سیمای سوره مریم

سوره مریم نوزدهمین سوره‌ی قرآن، دارای نود و هشت آیه و در مکه نازل شده است.^(۱)

محتوای سوره را همچون سایر سوره‌های مکی، مسائل مربوط به قیامت و سرنوشت مجرمان و پاداش نیکوکاران و قسمتی از سرگذشت زکریا و مریم و عیسی بن مریم و یحیی و ابراهیم و اسماعیل و ادريس عليه السلام تشکیل داده است. در تفسیر المیزان می‌خوانیم: خداوند در دو آیه‌ی آخر این سوره می‌فرماید: هدف ما از نزول این سوره، بشارت و انذار است و این هدف در قالب زیبایی داستان زندگی پیامبران آمده است.

نام مریم ۳۴ بار در قرآن آمده است و خداوند نام هیچ زنی را با اسم خاص در قرآن ذکر نکرده، جز مریم و تنها سوره‌ای که به نام یک زن در قرآن نامیده شده، همین سوره مریم است.

در فضیلت تلاوت این سوره آمده است که هر کس مداومت به خواندن این سوره کند، از دنیا نمی‌رود مگر آنکه خداوند او را از نظر جان و مال و فرزند بی‌نیاز کند.^(۲) البته شکی نیست با عمل به محتوای این سوره انسان خود را از دیگران بی‌نیاز خواهد دید.

۱. بعضی دو آیه ۵۸ و ۷۱ را مدنی می‌دانند.

۲. تفسیر مجمع‌البیان.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿ ۱ ﴾ كَهَيْعَصَ ﴿ ۲ ﴾ ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا

کاف، ها، یا، عین، صاد. (در این سوره) یادی از لطف پروردگارت نسبت به بنده‌اش زکریّا (به میان آمده است).

﴿ ۳ ﴾ اِنْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا

زمانی که پروردگارش را با ندایی پنهان خواند.

نکته‌ها:

- «کهیعص»، از حروف مقطعه قرآن است که در آن اسرار و رموزی نهفته و در برخی دعاها خداوند را به این حروف سوگند می‌دهیم و می‌گوییم: «بِحَقِّ كَهَيْعَصَ» چنانکه حضرت علی علیه السلام در دعایی فرمودند: «اللَّهُمَّ نَسْتَلِكُ يَا كَافُ، هَا، يَا، عَيْنُ، صَادُ». ^(۱)
- «نداء» به معنای خواندن با صدا و فریاد است و «خَفِيًّا» به معنای پنهانی است، نه آهسته، چون چنین ندایی آهسته نمی‌شود، ولی پنهانی می‌شود. ^(۲)
- شاید دعای پنهانی زکریّا به خاطر استهزای مردم باشد که نگویند چرا این پیرمرد از خداوند فرزند می‌خواهد. ﴿نداء خفياً﴾
- نام «زکریّا» هفت مرتبه در قرآن آمده است، او از انبیای بنی‌اسرائیل و از فرزندان هارون، برادر موسی است.

۱. تفسیر مجمع‌البیان. ۲. تفسیر نمونه.

□ در حدیث آمده است: «خیر الدعا الحقی» بهترین دعا، دعایی است که پنهانی باشد.^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- یادآوری نعمت‌های ویژه خداوند، عامل محبت الهی است. ﴿ذکر رحمت ربّک﴾
- ۲- یاد اولیای خدا یک ارزش است. ﴿ذکر... زکریّا﴾
- ۳- عبادت و دعا، زمینه‌ی دریافت رحمت است. ﴿رحمت ربّک... اذ نادى ربّه﴾
- ۴- از نقش دعا در تحولات زندگی بشر غافل نشویم. ﴿اذ نادى﴾ پیامبران نیز برای حل مشکلات خویش به دعا روی می‌آورند.
- ۵- مؤمن هرگز احساس تنهایی نمی‌کند. ﴿اذ نادى ربّه﴾
- ۶- اگر خداوند بخواهد ندای مخفی بندگان خالص را برای تاریخ علنی می‌کند. ﴿نداءً خفیاً﴾
- ۷- دعای پنهانی با ارزش‌تر است، چون به اخلاص نزدیک‌تر است. ﴿نداءً خفیاً﴾

﴿۴﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَأَشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا

(زکریّا) گفت: پروردگارا! همانا استخوانم سست شده، و (موی) سرم از شعله‌ی پیری، سفید شده است و پروردگارا! من هرگز در دعای تو (از اجابت) محروم نبوده‌ام.

﴿۵﴾ وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا

و همانا من برای پس از (مرگ) خود، از بستگانم بیمناکم و همسرم نازا بوده است، پس از جانب خود جانشینی (فرزندی) به من عطا فرما.

۱. تفسیر مجمع‌البیان.

نکته‌ها:

- «عاقِر» به مرد یا زنی گفته می‌شود که از او فرزندی به عمل نمی‌آید. «اشتعال» به معنای زبانه کشیدن آتش و انتشار آن است. بنابراین، جمله‌ی «وَأَشْتَعَلَ الرَّأْسُ» یعنی سفیدی موها در سر من، مثل آتش شعله کشیده و منتشر شده است.
- با توجه به آیه ۳۸ آل عمران، که دعای زکریّا را چنین نقل می‌کند: «رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذَرِّيَّةً طَيِّبَةً» معلوم می‌شود که مراد از «وَلِيًّا» در این آیه، فرزند صالحی است که جانشین پدر باشد.
- در دعا، گاهی رابطه‌ی بنده و خداوند به قدری تنگاتنگ می‌شود که به جای «یا رب»، «رب» می‌گوید.^(۱)
- امام صادق علیه السلام فرمود: نگرانی زکریّا از عمو و پسر عموهایش بود.^(۲)

پیام‌ها:

- ۱- در دعا از کلمه‌ی «رب» استمداد بجوییم، «رب... رب... رب» از ضعف‌های خود بگوییم، «وَأَشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا» نعمت‌ها و الطاف خدا را ذکر کنیم. «وَلَمْ أَكُنْ بِدَعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا» آنگاه حاجت خود را به زبان آوریم. «فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا»
- ۲- پایه‌ی بدن آدمی استخوان است و ضعف استخوان، ضعف تمام بدن را به دنبال دارد. «وَهَنَ الْعَظْمُ»
- ۳- مؤمن، هرگز از رحمت خدا مأیوس نمی‌شود. (زکریّا در پیری از خداوند فرزند می‌خواهد) «رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ... لَمْ أَكُنْ بِدَعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا»
- ۴- انسان مأیوس، بدبخت و شقی است. «وَلَمْ أَكُنْ بِدَعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا» حتی در سخت‌ترین شرایط، در دل مردان خدا یأس راه ندارد.
- ۵- مردان خدا، از وارث بد می‌ترسند. «خَفَتِ الْمَوَالِي مِنْ وَرَائِي»
- ۶- در بینش الهی، اراده خداوند بر عوامل طبیعی حاکم است. «هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ»

۱. تفسیر فی ظلال القرآن. ۲. تفسیر نورالثقلین.

۷- با اینکه خداوند حاجات انسان را می‌داند، اما در دعا و ناله، برکاتی مانند آرامش روحی، تواضع و عبودیت دعاکننده و مدح و ستایش خداوند نهفته است. ﴿إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ... هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا﴾

۸- فرزند، هبه‌ی آسمانی از جانب خداوند است. ﴿فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ﴾

۹- نه همسر نازا را رها کنید و نه امید خود را از دست بدهید. ﴿كَانَتْ إِمْرَأَتٌ عَاقِرًا... هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا﴾

۱۰- علاقه به جاودانگی و خلود، در فطرت بشر وجود دارد و انسان دوست ندارد فراموش شده و آبرو باشد. ﴿هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا﴾

۱۱- گرچه یکی از نگرانی‌های انسان، بی‌فرزند بودن است ﴿خِفْتُ﴾، ولی اولیای خدا فرزند را بیشتر برای تداوم اهداف معنوی خود می‌خواهند. ﴿وَلِيًّا﴾

﴿۶﴾ يَرْتُنِّي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَأَجْعَلُهُ رَبِّ رَضِيًّا

(خداوند! به من جانشینی عطا کن) که وارث من و دودمان یعقوب باشد و

پروردگارا! او را پسندیده قرار ده.

﴿۷﴾ يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا

(خداوند فرمود:) ای زکریا! ما تو را بشارت می‌دهیم به پسری که نامش

یحیی است (و) قبلاً همنامی برای او قرار نداده‌ایم.

﴿۸﴾ قَالَ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ

الْكِبَرِ عِتِيًّا

(زکریا) گفت: پروردگارا! چگونه برای من پسری باشد در حالی که

همسرم نازاست و من از پیری، ناتوان شده‌ام؟

نکته‌ها:

- در آیات قرآن، گاهی مراد از ارث، علم است: ﴿وَأُورِثْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ﴾^(۱) و گاهی حکومت: ﴿وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ﴾^(۲) ولی هر جا که دلیل خاصی نباشد، مراد از ارث، مال است. چنانکه در این آیات، مراد از ﴿يَرِثُنِي﴾، فرزندی است که از پدر ارث می‌برد.^(۳)
- پیامبر ﷺ فرمودند: میراث خداوند از بنده‌ی مؤمن، فرزند صالحی است که پس از مرگ او، خدا را عبادت کند، آنگاه این آیه را تلاوت فرمودند.^(۴)
- کلمه‌ی «رَضَى» هم به معنای مرضی خداوند است و هم به معنای محبوب مردم. مقام رضایت خدا از انسان و انسان از خدا، بالاترین مقام‌ها و فوز عظیم است.
- جمله‌ی «مِنْ قَبْلِ سَمِيًّا» یا به معنای آن است که نام یحیی بی‌سابقه است و یا آنکه ویژگی‌های شخصیتی او سابقه ندارد.
- «عَتِيًّا» به معنای از حدّ گذشتن است و درباره‌ی کسی گفته می‌شود که در اثر پیروی، اندامش خشکیده باشد.
- سؤال زکریا که گفت: ﴿أَنِّي يَكُونُ لِي غُلَامٌ﴾ به این معناست که آیا من و همسر من نیز جوان می‌شویم یا در همین حالت پیروی بچه‌دار می‌شویم.^(۵) آری، دانش انبیا نیز محدود است و تعجّب از چیزی، با مقام نبوت آنان منافاتی ندارد.
- امام باقر علیه السلام فرمودند: میان بشارت به فرزند و تولّد حضرت یحیی، پنج سال فاصله شد.^(۶)

پیام‌ها:

- ۱- قداست نبوت با خواسته‌های فطری و غریزی، همچون فرزندخواهی منافاتی ندارد. ﴿يَرِثُنِي﴾
- ۲- دنبال کردن خط انبیا یک ارزش معنوی است. ﴿يَرِثُنِي﴾

۳. تفسیر کبیر فخر رازی.

۲. نمل، ۱۶.

۱. غافر، ۵۳.

۴. تفسیر نورالثقلین.

۵. تفسیر کبیر فخر رازی.

۶. تفسیر مجمع البیان؛ بحار، ج ۱۴، ص ۱۷۶.

- ۳- انبیا هم مثل افراد عادی ارث می‌گذارند. ﴿یَرِثُنِي﴾
- ۴- مردان خدا حتی در نیازهای مادی خود، به ارزشهای معنوی نیز توجه دارند. ﴿یَرِثُنِي... رَضِيًّا﴾
- ۵- اگر اولاد مورد رضایت خدا باشد، رحمت است. ﴿وَأَجْعَلْ رَبِّي رَضِيًّا﴾ در آیه ۲ خواندیم: ﴿ذَكَرَ رَحْمَتَ رَبِّكَ عَبْدًا زَكِرِيًّا﴾
- ۶- برای صلاح و خوبی فرزند، حتی قبل از انعقاد نطفه، باید دعا کرد. ﴿وَأَجْعَلْ رَبِّي رَضِيًّا﴾
- ۷- از خداوند، فرزند صالح بخواهیم. ﴿وَأَجْعَلْ رَبِّي رَضِيًّا﴾
- ۸- نام‌گذاری را ساده نگیریم، بعضی از نامها از جانب خدا نازل شده است. ﴿نَبَشْرُكَ بَغْلَامٍ أَسْمَهُ يَحْيَى﴾ (نام، نشانه‌ی عقاید، فرهنگ، علاقه‌ها، وابستگی‌ها، اهداف، آرمان‌ها و دیدگاه‌های انسان است).
- ۹- مردان و زنان نازا، از لطف الهی مأیوس نباشند. ﴿إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغْلَامٍ... عَاقِرًا... عَتِيًّا﴾
- ۱۰- پسر یا دختر بودن فرزند، به دست خداست. ﴿نَبَشِّرُكَ بِغْلَامٍ﴾

﴿۹﴾ قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَقَدْ خَلَقْتُكَ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ تَكُ شَيْئًا

(زکریا) چنین گفت: اما پروردگارت فرمود: این کار بر من آسان است، (زیرا) پیش از این من تو را آفریدم در حالی که چیزی نبود.

﴿۱۰﴾ قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَ

لَيَالٍ سَوِيًّا

(به زکریا) گفت: پروردگارا! برای من نشانه‌ای قرار ده. (خداوند) فرمود: نشانه‌ی تو این است که سه شبانه روز قدرت سخن گفتن با مردم را نخواهی داشت، (با اینکه سالم هستی).

نکته‌ها:

□ خداوند بر هر چیزی قادر و هر کاری برای او آسان است. چنانکه در این آیه می‌فرماید: ﴿هُوَ عَلِيٌّ هَيِّنٌ﴾ این کار بر من آسان است. در آیه‌ی ۲۲ حدید و ۷ تغابن نیز می‌خوانیم: ﴿ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾ در آیه‌ی ۲۰ و ۱۰۶ بقره نیز آمده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ در آیه‌ی ۴۵ کهف نیز می‌فرماید: ﴿وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا﴾ خداوند بر همه چیز تواناست.

□ گاهی مراد از شب در عرف عرب، شبانه روز است.^(۱) لذا در آیه‌ی ۴۱ آل عمران می‌خوانیم: ﴿ثَلَاثَةٌ أَيَّامٌ﴾ و در اینجا می‌فرماید: «ثلاث لیل» و این به خاطر آن است که گاهی شب و روز به جای یکدیگر ذکر می‌شوند.

□ در تفاسیر مجمع‌البیان و طبری والمیزان، درباره‌ی حضرت زکریا آمده است: هنگام تلاوت آیات الهی و ذکر خدا، زبانش باز می‌شد، ولی هنگام گفتگو با مردم زبانش بند می‌آمد.

□ حضرت زکریا برای تمیز بین حق و باطل، بین وحی الهی و توهمات شیطانی، از خداوند طلب نشانه کرد.^(۲)

پیام‌ها:

- ۱- قوانین طبیعی و علل مادی، هرگز قدرت خدا را محدود نمی‌کند. ﴿هُوَ عَلِيٌّ هَيِّنٌ﴾
- ۲- تفکر در خلقت و پدیده‌ها، هر شک و تردیدی در قدرت خدا را برطرف می‌کند. ﴿خَلَقْتِك... و لَمْ تَكْ شَيْئًا﴾
- ۳- انبیا در فکر رسیدن به مراحل بالاتری از یقین بودند. ابراهیم از خدا نشانه می‌خواهد که ﴿لِيُطْمَئِنَّ قَلْبِي﴾^(۳) زکریا نیز از خداوند نشانه‌ای خاص درخواست می‌کند. ﴿اجْعَلْ لِي آيَةً﴾
- ۴- تمام حرکات ما با اراده‌ی الهی است، اگر او نخواهد با سلامتی کامل هم قدرت سخن نداریم. ﴿لَا تَكَلِّمُ النَّاسَ﴾

۱. تفسیر المیزان.

۲. تفسیر المیزان.

۳. بقره، ۲۶۰.

﴿۱۱﴾ فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ أَن سَبِّحُوا بُكْرَةً
وَعَشِيًّا

پس (زکریا) از محراب عبادت به سوی مردم خارج شد، آنگاه به آنان اشاره کرد که در صبح و شام خدا را تسبیح گویند.

نکته‌ها:

- «بُكْرَةً» به زمان میان طلوع فجر تا طلوع خورشید گفته می‌شود و «عَشِيًّا» یا به فاصله ظهر تا غروب و یا به آخر روز گفته می‌شود.
- «مِحْرَاب» را محراب گویند، چون محل جنگ با شیطان و وسوسه‌هایی است که مانع تمرکز فکر انسان می‌شود. شاید محراب‌های بنی‌اسرائیل همان مسجدهایی بوده است که مردم آنجا را برای عبادت انتخاب کرده و در آن عبادت می‌کردند.
- به گفته طبرسی و فخررازی، مراد از تسبیح در این آیه، نماز است، زیرا نماز مشتمل بر تسبیح است.

پیام‌ها:

- ۱- در تبلیغ، هموطن بودن مبلغ اولویت دارد. ﴿فخرج علی قومه﴾
- ۲- مردان خدا، مکان خاصی را برای عبادت خود قرار می‌دهند. ﴿المحراب﴾
- ۳- کسی که مردم را به عبادت دعوت می‌کند، باید خود نیز اهل عبادت باشد. ﴿فخرج علی قومه من المحراب فأوحى إليهم﴾
- ۴- با هر وسیله‌ای باید تبلیغ کرد. (آنجا که زبان زکریا بند می‌آید، با اشاره به مردم سفارش می‌کند که خدا را تسبیح کنید). ﴿فأوحى إليهم﴾
- ۵- وظیفه‌ی انبیا، دعوت مردم به عبادت است. ﴿فأوحى إليهم ان سبحوا﴾
- ۶- فرزنددار شدن پیرمرد از همسر نازا، نشانه‌ی منزه بودن خداوند از هرگونه کاستی و ناتوانی است. ﴿سبحوا﴾
- ۷- عبادت زمانی ارزش والا دارد که دائمی باشد، نه مقطعی و موسمی. ﴿بُكْرَةً وَعَشِيًّا﴾

﴿ ۱۲ ﴾ يَا يَحْيَىٰ خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا

ای یحیی! کتاب (خدا) را با قدرت بگیر و در کودکی به او حکمت (و نبوت) دادیم.

﴿ ۱۳ ﴾ وَحَنَانًا مِّن لَّدُنَّا وَزَكَاةً وَكَانَ تَقِيًّا

و نیز از جانب خود، مهربانی و پاکی به او دادیم و او تقوایبیشه بود.

نکته‌ها:

- «حکم» به معنای علم و فهم^(۱) و قدرت قضاوت^(۲) آمده است و در تفسیر المیزان می‌خوانیم: مراد از «حکم»، علم به معارف الهی و کنار رفتن پرده‌ی غیب است.
- سه نفر در کودکی به نبوت رسیدند: سلیمان، عیسی و یحیی علیهم‌السلام و سه نفر نیز در کودکی به امامت رسیدند: امام جواد و امام هادی و امام مهدی علیهم‌السلام^(۳)
- برخی گفته‌اند: یحیی علی‌ه‌السلام در کتاب عهد جدید، یوحنا نامیده شده است.
- شاید مراد از کتاب آسمانی در اینجا، تورات باشد. زیرا کتاب دیگری که بر حضرت یحیی نازل شده باشد، شناخته شده نیست.
- در آیات ۶۳ و ۹۳ سوره‌ی بقره نیز این فرمان آمده است که کتاب آسمانی را با قدرت بگیرید. ﴿خذوا ما آتیناکم بقوة﴾
- «حنان» به معنای شفقت و مهربانی است. رأفت خدا به یحیی و عشق او به خدا، مهر مردم به یحیی و محبت یحیی به مردم، پرتو «حناناً من لدننا»ی الهی است.
- راه خدا همه چیزش رحمت است: خدای آن رحمان، پیامبرش «رحمة للعالمین»^(۴) و «حناناً من لدننا»، کتابش «رحمة للعالمین»^(۵) و مردمش «رحماء بینهم»^(۶) است.
- «زکات» به معنای صدقه، رشد، پاکی از گناه و برکت آمده است. یحیی برای حضرت زکریا، هدیه‌ای مبارک و نمونه‌ی انسان پاک و رشد یافته بود.

۳. تفسیر اطیب البیان.

۲. قاموس القرآن.

۱. لسان العرب.

۶. فتح، ۲۹.

۵. اسراء، ۸۲.

۴. انبیاء، ۱۰۷.

پیام‌ها:

- ۱- رهبر باید در تحقق بخشیدن به اهداف کتاب آسمانی، صلابت داشته باشد.
﴿یا یحیی خذ الكتاب بقوة﴾
- ۲- حفظ دین و اجرای احکام، به قاطعیت و قدرت نیاز دارد. ﴿خذ الكتاب بقوة﴾
- ۳- دینداری باید با قدرت و جدیت باشد. ﴿خذ الكتاب بقوة﴾
- ۴- اگر خدا بخواهد، طفل را هم به مقام نبوت می‌رساند. ﴿آتیناه الحکم صبیئاً﴾
- ۵- لازمه‌ی تبلیغ و تربیت، رأفت، محبت و پاکی است. ﴿وحناناً و زکاة﴾
- ۶- سرچشمه‌ی رأفت و مودت، خداوند است. ﴿من لدنا﴾
- ۷- روحیه‌ی رأفت و عطوفت برای انسان ارزش است. ﴿حناناً﴾
- ۸- تقوایی ارزش دارد که همیشگی و خصلت انسان باشد. ﴿کان تقیاً﴾
- ۹- تقوا به معنای انزوا و خشن بودن نیست، بلکه همراه مردم بودن با مهربانی و محبت است. ﴿حناناً... کان تقیاً﴾
- ۱۰- تقوا، زمینه دریافت الطاف الهی، رشد و محبوبیت است. ﴿حناناً... زکاة... کان تقیاً﴾

﴿۱۴﴾ وَبَرّاً بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّاراً عَصِيّاً

و نسبت به پدر و مادرش نیکوکار بود و (نسبت به مردم، زورگویی) سرکش و نافرمان نبود.

﴿۱۵﴾ وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيّاً

و سلامی (شایسته) بر او باد روزی که متولد شد و روزی که می‌میرد و روزی که زنده برانگیخته می‌شود.

نکته‌ها:

□ خداوند در این آیات، اوصاف گوناگونی را درباره حضرت یحیی برشمرده است: او در پیشگاه خداوند پرهیزکار بود، ﴿تقیاً﴾ نسبت به والدین نیکوکار بود، ﴿برراً﴾ و در برابر مردم، سرکش

و عصیانگر نبود. ^(۱) ﴿لَمْ يَكُنْ جَبَّاراً عَصِيّاً﴾

□ مراد از سلامت هنگام مرگ، سلامت عقیده و با ایمان مردن است.

پیام‌ها:

- ۱- مقام و منصب، ما را از یاد والدین غافل نکند، پیامبر هم باید نسبت به والدین نیکی کند. ﴿و بَرّاً بوالدیه﴾
- ۲- نیکی به پدر و مادر، نمودار تقوای الهی است. ﴿کان تقیّاً و بَرّاً بوالدیه﴾
- ۳- آن نیکی به والدین مورد ستایش است که در آن هیچ گونه نافرمانی و سلطه‌جویی نباشد. ﴿بَرّاً بوالدیه و لم یکن جَبَّاراً عَصِيّاً﴾
- ۴- ترک نیکی به والدین، نشانه‌ی عصیان و سرکشی است. ﴿و لم یکن جَبَّاراً عَصِيّاً﴾
- ۵- سلام و درود فرستادن بر اولیای خدا مخصوص زمان حیات آنان نیست. ﴿سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم ...﴾
- ۶- سلام کردن، نشانه‌ی کوچکی نیست، زیرا خدای بزرگ هم سلام می‌کند. ﴿سلام علیه﴾، ﴿سلام علی ابراهیم﴾ ^(۲) و ﴿سلام علی موسی و هارون﴾ ^(۳)
- ۷- یحیی تمام فراز و نشیب‌ها را با سلامتِ دین و ایمان به خدا سیر کرد. ﴿سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و ...﴾
- ۸- گرامیداشتِ روز تولّد و یادبود روز وفاتِ اولیای خدا، امری قرآنی است. ﴿سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و ...﴾
- ۹- خواندن زیارت‌نامه که سلام بر اولیای خدا در طول زندگی آنهاست، امری قرآنی است. ﴿سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و ...﴾
- ۱۰- کلید سالم زندگی کردن و سالم مردن و سلامتی در قیامت، تقوا، نیکی به والدین و پرهیز از گناه و طغیان است. ﴿کان تقیّاً و بَرّاً بوالدیه و لم یکن جَبَّاراً عَصِيّاً﴾
سلام علیه یوم ...

۱. تفسیر المیزان.

۲. صافات، ۱۰۹.

۳. صافات، ۱۲۰.

﴿۱۶﴾ وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا

و در این کتاب، مریم را یاد کن، هنگامی که از خاندانش جدا شد و در مکانی شرقی قرار گرفت.

﴿۱۷﴾ فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا

بَشَرًا سَوِيًّا

آنگاه دور از دیگران برای خود پرده‌ای قرارداد، در این هنگام ما (روح القدس) روح خود را به سوی او فرستادیم، پس به شکل انسانی راست قامت بر او نمایان شد.

نکته‌ها:

- رسول خدا ﷺ فرمود: مریم یکی از چهار زن نمونه است.^(۱)
- «تَبَذَ» به معنای دور افکندن چیزی از روی بی‌اعتنایی به آن است و «انتبذ» به گوشه‌گیری کردن از مردم گفته می‌شود. از آنجا که مریم وقف مسجدالاقصی شده بود، لذا گوشه‌ای در شرق مسجد را برای خود برگزیده بود.

پیام‌ها:

- ۱- یکی از وظایف رهبران دینی، بزرگداشت پاکان تاریخ است. ﴿واذکر...﴾
- ۲- تاریخ زنان قهرمان نیز همچون تاریخ مردان بزرگ باید زنده نگه داشته شود. ﴿واذکر فی الکتاب مریم﴾، ﴿واذکر فی الکتاب ابراهیم﴾^(۲)
- ۳- برای عبادت، مکان خلوتی را انتخاب کنیم. ﴿فاتَّخَذت من دونهم حجاباً﴾
- ۴- عبادت، زمینه‌ی نزول الطاف الهی است ﴿فاتَّخَذت - فارسلنا﴾
- ۵- جدا کردن و آویختن پرده در جایی که بانوان عبادت می‌کنند، یک ارزش است. ﴿فاتَّخَذت من دونهم حجاباً﴾ مریم برای عبادت در گوشه‌ای از مسجد،

۱. بحار، ج ۱۴، ص ۲۰۱. ۲. مریم، ۴۱.

پرده‌ای آویخته بود.

- ۶- جبرئیل نزد خداوند مقام والایی دارد. ﴿روحنا﴾
 ۷- فرشتگان می‌توانند بدون آنکه تغییر ماهیت دهند، به شکلی در آیند که انسان آنها را ببیند. ﴿فتمثل لها بشراً﴾
 ۸- گاهی برای انجام برخی مأموریت‌ها باید چهره عوض کرد. ﴿فتمثل لها﴾
 ۹- تربیت باید گام به گام باشد. خداوند ابتدا داستان تولد یحیی را از پدر و مادری پیر نقل کرد، سپس تولد عیسی را بدون پدر بیان فرمود. ﴿فتمثل لها﴾
 ۱۰- جبرئیل نزد غیر انبیا نیز می‌رود. ﴿فتمثل لها﴾
 ۱۱- زن، می‌تواند به مقامی برسد که فرشته با او تماس بگیرد. ﴿فتمثل لها﴾
 ۱۲- قدرت و اراده‌ی خداوند، در چهارچوب وسایل و علل محدود نیست، بلکه بر آنها غالب است. ﴿ارسلنا اليها روحنا فتمثل لها بشراً﴾

﴿ ۱۸ ﴾ قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا

(مریم به آن فرشته) گفت: همانا من از تو به خدای رحمان پناه می‌برم، اگر پرهیزکاری (از من دور شو).

﴿ ۱۹ ﴾ قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا

(فرشته) گفت: همانا من فرستاده‌ی پروردگار توام (و آمده‌ام) تا پسری پاکیزه به تو بخشم.

﴿ ۲۰ ﴾ قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا

(مریم) گفت: چگونه ممکن است برای من فرزندی باشد؟ در حالی که نه بشری با من تماس گرفته و نه من بدکاره بوده‌ام.

نکته‌ها:

- «زَكَاةً»، از ریشه‌ی «زکوة» به معنای طهارت، نمو و برکت است و «بَغِيًّا» در اینجا به معنای زناکار است.
- در این سوره، بارها به مسأله هبه کردن فرزند از طرف خداوند اشاره شده است: در آیه‌ی ۱۹، هبه‌ی عیسی به مریم و در آیه‌ی ۴۹، هبه‌ی اسحاق و یعقوب به ابراهیم و در آیه‌ی ۵۳، هبه‌ی هارون به موسی و در آیه‌ی ۷، بشارت فرزند به زکریا مطرح شده است.

پیام‌ها:

- ۱- افراد پاکدامن با احساس احتمال گناه به خود می‌لرزند و به خدا پناه می‌برند.
﴿قالت إني أعوذ ...﴾
- ۲- بهترین پناهگاه، رحمت الهی است. ﴿أعوذ بالرحمن﴾
- ۳- استعاذه و پناه بردن به خدای متعال، یکی از سفارش‌های خداوند به انبیا و سیره‌ی پیامبران و اولیای الهی است.^(۱) ﴿أعوذ بالرحمن﴾
- ۴- به حریم افراد، نباید سرزده وارد شد. ﴿أعوذ بالرحمن منك﴾
- ۵- خلوت کردن زن با مرد اجنبی خطرناک است. ﴿إني أعوذ بالرحمن منك﴾
- ۶- در نهی از منکر، از غیرت دینی افراد استفاده کنید. ﴿ان كنت تقياً﴾
- ۷- تقوا، راه پاکدامنی و عامل بازدارنده از گناه است. ﴿ان كنت تقياً﴾
- ۸- معرفتی خود برای رفع تهمت و نگرانی مردم، لازم است. ﴿أما أنا رسول ربك﴾
- ۹- فرشتگان تنها مأمور ابلاغ وحی الهی نیستند، بلکه واسطه‌ی افعال او نیز هستند. ﴿رسول ربك لأهب لك غلاماً﴾
- ۱۰- فرزند داشتن ارزش ولی بالاتر از آن پاکی فرزند است. ﴿لأهب لك غلاماً زكياً﴾
- ۱۱- زنا عملی منفور در تمام ادیان آسمانی است. ﴿ولم أك بغياً﴾

۱. واژه‌های «أعوذ، فاستعذ و عذت» در قرآن بیانگر این مطلب است.

﴿ ۲۱ ﴾ قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً
مِّنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا

(فرشته‌ی الهی) گفت: مطلب همین است. پروردگارت فرمود: این کار بر من آسان است (که پسری بدون پدر به تو عطا کنم) و تا او را برای مردم نشانه و رحمتی از خود قرار دهیم و این کاری است شدنی و قطعی.

﴿ ۲۲ ﴾ فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا

پس مریم (به عیسی) باردار شد و با وی در مکانی دور خلوت گزید.

﴿ ۲۳ ﴾ فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا
وَ كُنْتُ نَسِيًّا مَّنْسِيًّا

آنگاه درد زایمان او را به سوی تنه‌ی درخت خرمایی کشاند (تا تکیه دهد. از شدت ناراحتی) گفت: ای کاش پیش از این مرده و فراموش شده بودم.

نکته‌ها:

- فرشته‌ی الهی، در قیاقه‌ی بشری نزد مریم ظاهر شد، به او دمید و او حامله شد. آنگاه مریم به خاطر نگرانی از تهمت کسانی که توجیه نبودند و یا برای اینکه زن باردار بیشتر نیاز به آرامش و فضای آرام دارد، به مکان دوری رفت.
- درباره‌ی آن مکان و چگونگی باردار شدن مریم و اولین کسی که از این ماجرا با خبر شد، در تفاسیر سخن فراوان است، ولی چون قرآن در این موارد چیزی نفرموده است ما نیز بحثی نداریم، زیرا این اطلاعات در رشد فهم ما نقشی ندارد.
- گاهی بهترین برگزیده‌های خداوند، بیشترین سختی‌ها را کشیده‌اند. برخی از مشکلات و سختی‌هایی که حضرت مریم تحمل کرد عبارت است از:
 - الف: تهمت و سوء ظن مردم
 - ب: بارداری و زایمان در تنهایی و غربت

ج: نداشتن محل استراحت و پناه بردن به کنار درخت خرما
د: نگهداری کودک بدون پدر با آن برخوردها و نگاه‌های بد مردم

پیام‌ها:

- ۱- خداوند، حاکم بر اسباب و علل طبیعی است. ﴿هُوَ عَلِيٌّ هَيِّنٌ﴾
- ۲- چگونگی تولد عیسی، اولین معجزه‌ی آن حضرت است. ﴿وَلَنَجْعَلَنَّ آيَةً لِلنَّاسِ﴾
- ۳- انجام کارهای خارق العاده و معجزه، از شئون ربوبیت خداوند و در مسیر تربیت انسان است. ﴿رَبِّكَ﴾
- ۴- وجود عیسی رحمت است. کسی که وجودش ایمان به خدا را در انسان‌ها زنده کند و کارش ارشاد و هدایت مردم باشد، قطعاً رحمت است. ﴿رَحْمَةً مِّنَّا﴾
- ۵- هیچ کس نمی‌تواند مانع کار خداوند شود. ﴿وَكَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا﴾
- ۶- گاهی انسان‌های پاک باید به خاطر دور ماندن از تهمت مردم، از آنان فاصله گیرند. ﴿مَكَانًا قَصِيًّا﴾
- ۷- گاهی مشکلات، وسیله‌ی پیدا شدن راه‌های خیر است. مشکل زایمان و دلهره، زمینه‌ی یافتن رطب تازه می‌شود. ﴿جَذْعَ النَّخْلَةِ﴾
- ۸- گاهی انسان راز دلش را به خانواده‌اش نیز نمی‌تواند بگوید و آرزوی مرگ می‌کند. ﴿يَا لَيْتَنِي مِتَّ قَبْلَ هَذَا﴾
- ۹- مردن، از زندگی با بدنامی بهتر است. ﴿يَا لَيْتَنِي مِتَّ قَبْلَ هَذَا﴾

﴿۲۴﴾ فَنَادَاهَا مِن تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا

پس (عیسی در شکم) از طرف پایین پایش وی را صدا زد که (ای مادر!) غم مخور، همانا پروردگارت زیر (پای) تو چشمه‌ی آبی روان ساخت.

﴿۲۵﴾ وَهَرَّىٰ إِلَيْكَ بِجَذْعِ النَّخْلَةِ نُسَاقِطًا عَلَيْكَ رَطْبًا جَنِيًّا

و شاخه این نخل را به سوی خود تکان ده، رطب تازه بر تو فرو ریزد.

نکته‌ها:

- کلمه‌ی «سَرِیًّا»، به معنای نهر کوچک است و «جَنَّتِیًّا» به میوه‌ای گفته می‌شود که رسیده و وقت چیدن آن باشد.
- بعضی گفته‌اند: ندا کننده، جبرئیل بوده است، اما سیاق آیات نشان می‌دهد که منادی، عیسی بوده است تا مادر سخن او را بشنود و باور کند و بعد با خاطری آسوده به مردم بگوید که پاکدامنی مرا از نوزاد در گهواره بپرسید.
- زنان هنگام زایمان و پس از آن نیاز به آرامش، آب و غذای مناسب دارند که در این آیات بدان اشاره شده است.
- غذای مورد سفارش قرآن و روایات برای زنی که وضع حمل کرده است، خرماي تازه است. چنانکه پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: زانی که زایمان کرده‌اند، اولین غذایشان رطب باشد.^(۱) و حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: بهترین غذای زن باردار، خرماي تازه است و هیچ دارویی برای او بهتر از خرما مداوا نیست.^(۲)
- امان از امتحان الهی! آن روز که مریم سالم بود، مائده‌ی آسمانی برایش نازل می‌شد، اما امروز که باردار و بی‌کس است، باید درخت خرما را تکان دهد تا غذایی بدست آورد.

پیام‌ها:

- ۱- الهامات غیبی، راهگشای انسان در هنگام اضطراب است. ﴿فناداها﴾
- ۲- برای زن پاکدامن، غمی به اندازه‌ی غم تهمت بی‌عفتی نیست. ﴿لا تحزنی﴾
- ۳- برای زن باردار، هیجان و اضطراب مضر است. ﴿لا تحزنی﴾
- ۴- انسان در سخت‌ترین شرایط نیز باید برای کسب روزی تلاش کند. ﴿هزی﴾
- ۵- آرامش، بر تغذیه مقدم است. ﴿لا تحزنی، رُطبا جنَّتِیًّا﴾ زیرا انسان مضطرب، بهترین غذاها را نیز میل ندارد.

۱. کافی، ج ۶، ص ۲۲. ۲. تفسیر نورالثقلین؛ خصال صدوق، ص ۶۳۷.

﴿۲۶﴾ فَكَلِمَةٍ وَأَشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا فَمَا تَرِينِ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي -
إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا

پس (از آن رطب) بخور و (از آب نهر) بنوش و چشمت را (به داشتن فرزندی چون عیسی) روشن دار، پس اگر کسی از آدمیان را دیدی، (که درباره نوزاد می پرسند، با اشاره به آنان) بگو: من برای خداوند رحمان، روزهی سکوت نذر کرده ام، بنابراین امروز با هیچ انسانی سخن نخواهم گفت.

نکته ها:

- روزهی سکوت حضرت مریم در برابر مردم، یا برای این بود که آنان ظرفیت جواب را نداشتند، یا گفتگوی با آنان، تأثیر منفی به دنبال داشت و یا در ادامه ی پاسخ و سخن گفتن، سؤالات و بهانه های دیگری را مطرح می کردند.
- امام صادق علیه السلام فرمودند: روزه تنها به امساک از خوردن و آشامیدن نیست و آنگاه این آیه را تلاوت فرمودند. (۱)
- ممکن است این آیه، ادامه ی سخن حضرت عیسی با مادرش در آیه قبل باشد.

پیام ها:

- ۱- فرزند، عامل نور چشم و امیدواری انسان به الطاف است. ﴿قَرِّي عَيْنًا﴾
- ۲- بهترین غذا آن است که با نوعی آرامش و شادی همراه باشد. ﴿كَلِمَةٍ وَأَشْرَبِي وَ قَرِّي عَيْنًا﴾
- ۳- نذر، سابقه ای بس طولانی دارد و می توان برای خارج شدن از برخی بن بست ها به نذر متوسل شد. ﴿فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ﴾
- ۴- در نذر قصد قربت لازم است و باید نام خدا برده شود. ﴿نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ﴾
- ۵- قصد قربت با قصد رهایی از ناملايمات، منافاتی ندارد. ﴿نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ﴾ (تا

۱. تفسیر نورالثقلین.

مردم درباره نوزاد مرا زیر سؤال نبرند)

۶- وفای به نذر واجب است. «نذرت... فلن اکلم»

۷- گاهی باید در برابر حرف مردم سکوت کرد. «فلن اکلم الیوم انسیتا»

﴿ ۲۷ ﴾ فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهَا قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا

پس مریم در حالی که نوزادش را در آغوش گرفته بود، او را به نزد بستگان خود

آورد. گفتند: ای مریم! به راستی کار بسیار ناپسندی مرتکب شده‌ای.

﴿ ۲۸ ﴾ يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَغِيًّا

ای خواهر هارون! پدرت مرد بدی نبود و مادرت (نیز) بدکاره نبود.

نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «فَرِيًّا» به معنای کار زشت و منکر بزرگ است.

□ گرچه بعضی هارون را برادر واقعی مریم دانسته‌اند، لکن پیامبر ﷺ فرمود: مریم از بستگان هارون برادر موسی می‌باشد.^(۱)

پیام‌ها:

۱- حقیقت را آشکار کنیم هرچند گروهی ناراحت شده و تهمت بزنند. «فأتت به قومها تحمله»

۲- قضاوت مردم معمولاً عجولانه و براساس قرائن ظاهری است، نه واقعیات. «لقد جئت شیئاً فریاً» (با دیدن نوزادی همراه مریم، به بدی او حکم کردند)

۳- یکی از راههای تربیت، توجه دادن افراد به نیکی و فضیلت نیاکان و خانواده است. «یا اُخت هارون...»

۴- از والدین و خانواده صالح، جز فرزند صالح انتظار نیست. «یا اُخت هارون ماکان

۱. تفسیربرهان؛ امالی مرتضی، ج ۴، ص ۱۰۶.

ابوك... امك بغياً ﴿صالح بودن پدر و مادر و خانواده در رفتار و کردار فرزندان مؤثر است.﴾

۵- انجام کار بد از دودمان شریف، بیشتر مورد سرزنش است. ﴿ماكان ابوك...﴾

﴿۲۹﴾ فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا

پس مریم به سوی او (عیسی) اشاره کرد. گفتند: چگونه با کسی که در گهواره (و) کودک است سخن بگوییم؟

﴿۳۰﴾ قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا

(عیسی به سخن آمد و) گفت: منم بنده‌ی خدا، او به من کتاب (آسمانی) داده و مرا پیامبر قرار داده است.

نکته‌ها:

- حضرت مریم چون روزه‌ی سکوت گرفته بود، به خاطر وفای به نذر به جای سخن، اشاره کرد. ﴿فأشارت﴾
- با اینکه اولین سخن عیسی ﷺ درباره‌ی بندگی خدا بود، ولی پیروان او غلو کرده، او را خدا و فرزند خدا دانسته‌اند!
- از امام باقر سؤال شد که آیا حضرت عیسی در گهواره نیز حجت خدا بر مردم بود؟ حضرت فرمودند: عیسی ﷺ نبی بود، اما مرسل نبود تا آنکه به سن هفت سالگی رسید، مقام رسالت نیز به او اعطا شد.^(۱)
- حضرت عیسی ﷺ با یک جمله‌ی کوتاه، هم تهمت را از مادرش دور کرد، هم از آینده‌ی خود سخن گفت و هم به وظیفه‌ی آینده‌ی مردم اشاره کرد. ﴿إني عبد الله... جعلني نبياً﴾

۱. تفسیر کنزالدقائق.

پیام‌ها:

- ۱- آنجا که خداوند بخواهد، کودکی در گهواره به سخن می‌آید و شایعات و فتنه‌ها را می‌خواباند. ﴿قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ...﴾
- ۲- در معرفتی خود، قبل از هر چیز مَهر بندگی خدا را بر خود بزینم که این، بزرگ‌ترین افتخار است. ﴿إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ... وَجَعَلَنِي نَبِيًّا﴾
- ۳- بندگی خدا سرچشمه‌ی همه‌ی فیوضات الهی است. ﴿إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ... وَجَعَلَنِي نَبِيًّا﴾
- ۴- در نبوت (و امامت) سن خاصی شرط نیست. ﴿فِي الْمَهْدِ... جَعَلَنِي نَبِيًّا﴾

﴿۳۱﴾ وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا

و هر جا که باشم، خداوند مرا مایه‌ی برکت قرار داده و تا زنده‌ام مرا به نماز و زکات سفارش کرده است.

﴿۳۲﴾ وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا

و مرا نسبت به مادرم نیکوکار قرار داده و (نسبت به مردم) ستمگر و سنگدل قرار نداده است.

نکته‌ها:

□ چیزی با برکت است که در آن منفعت زیاد، تعلیم و تأدیب دیگران و با ثبات باشد؛ حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام هم عمر با برکتی دارد و تا بعد از ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام زنده است و هم پیروانش بسیارند و بر کافرانی که در پی قتل آن حضرت بودند، پیروزند. ﴿وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾^(۱)

□ سرچشمه‌ی خیرات و برکات، نیت‌ها، اهداف، حالات و خصلت‌های درونی است. لذا بعضی

۱. آل‌عمران، ۵۵.

انسان‌ها هر جا که باشند مبارکند. ﴿جعلنی مبارکاً این ما کنت﴾^(۱) و بعضی به خاطر مشکلات روحی و دوری از معنویت، در هر جا که باشند گرفتار خصلت‌های ناروای خویش‌اند و خیرشان به دیگران نمی‌رسد.

□ عیسی علیه السلام با کلمه «والدتی»، به پاکدامنی مادر و نداشتن پدر اشاره کرد. ﴿وَبَرّاً بِوَالِدَتِي﴾ و نفرمود: «بوالدتی».

پیام‌ها:

- ۱- امتیازات و برتری‌های خود را از خدا بدانید. ﴿جعلنی﴾
- ۲- ستایش از خود، اگر برای فخر فروشی نباشد مانعی ندارد. ﴿و جعلنی مبارکاً...﴾
- ۳- پیامبران، سرچشمه‌ی خیر و برکت و آثار ابدی هستند. ﴿مبارکاً﴾
- ۴- ارزش‌های معنوی، فوق زمان و مکان است. ﴿این ما کنت... مادمت حیّاً﴾
- ۵- نماز و زکات از مشترکات ادیان آسمانی است. ﴿و اوصانی بالصّلوة والزکوة﴾ (شاید بتوان شرط مبارک بودن را اقامه نماز و پرداخت زکات دانست.)
- ۶- رابطه با خدا (انجام نماز)، از رابطه با محرومان (پرداخت زکات) جدا نیست. ﴿بالصّلوة والزکوة﴾
- ۷- نماز و زکات، در طول عمر تعطیل بردار نیست ﴿مادمت حیّاً﴾
- ۸- نیکی به مادر، از اخلاق انبیاست. ﴿و برّاً بوالدتی﴾
- ۹- کسی که به مادرش بی‌مهری کند، به مردم نیز رحم نخواهد کرد. ﴿برّاً بوالدتی و لم يجعلنی جباراً شقیّاً﴾
- ۱۰- پیامبران بدنبال استبداد و سلطه‌گری بر مردم نیستند. ﴿لم يجعلنی جباراً شقیّاً﴾

﴿ ۳۳ ﴾ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا

و درود بر من روزی که زاده شدم و روزی که می‌میرم و روزی که زنده
برانگیخته می‌شوم.

پیام‌ها:

- ۱- خط انبیا، تنها خطی است که از تولد تا معاد، از هر گونه انحراف سالم است.
﴿والسلام علیّ یوم وُلِدْتُ و یوم... أُبْعَثُ حَيًّا﴾
- ۲- در مواردی، تجلیل از خود جایز است. ﴿والسلام علیّ...﴾
- ۳- مهم‌ترین روزها برای انسان، روز تولد، وفات و زنده شدن در قیامت است.^(۱)
﴿وُلِدْتُ... أَمُوتُ... أُبْعَثُ﴾
- ۴- مرگ و قیامت برای همه است. (عیسی علیه السلام گرچه تاکنون زنده است و در
آسمان‌ها به سر می‌برد، اما او هم روزی خواهد مرد.) ﴿یوم اموت﴾
- ۵- کسی که محکوم به تولد و مرگ و رستاخیز است، چگونه او را شریک خدا
می‌پندارید؟ ﴿وُلِدْتُ... أَمُوتُ... أُبْعَثُ﴾

﴿ ۳۴ ﴾ ذَٰلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ

این است عیسی، پسر مریم؛ (همان) گفتار درستی که در آن شک می‌کنند.

﴿ ۳۵ ﴾ مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ

كُنْ فَيَكُونُ

شایسته نیست که خداوند فرزندی برگیرد، او منزّه است، هرگاه انجام کاری را
اراده کند، همین قدر که گوید: موجود باش، بی‌درنگ موجود می‌شود.

۱. امام رضا علیه السلام فرمودند: وحشتناک‌ترین روزها برای انسان سه روز است: روز تولد و روز
مرگ و روز قیامت. عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۵۷.

نکته‌ها:

- در چند آیه‌ای که گذشت، عیسی علیه السلام با هفت صفت برجسته و دو برنامه معرفی شده است؛ اما صفات برجسته‌ی او:
- الف: بنده‌ی خدا بودن. ﴿إِنِّي عَبْدَ اللَّهِ﴾
- ب: آوردن کتاب آسمانی. ﴿آتَانِي الْكِتَابَ﴾
- ج: پیامبری. ﴿وَجَعَلَنِي نَبِيًّا﴾
- د: مبارک بودن. ﴿وَجَعَلَنِي مَبَارَكًا﴾
- ه: نیکی به مادر. ﴿وَ بِرًّا بَوَالِدَتِي﴾
- و: جبار و شقی نبودن. ﴿لَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا﴾
- ز: متواضع، حق شناس و سعادت‌مند بودن. ﴿وَالسَّلَامُ عَلَيَّ...﴾
- و اما دو برنامه‌ی عیسی، یکی نماز و دیگری زکات است. این آیه می‌فرماید: سخن درست درباره عیسی همان است که گفتیم. ﴿ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ﴾
- خداوند در قرآن، بارها مسیحیان را منحرف و عقاید آنان را درباره حضرت عیسی باطل دانسته است، چنانکه در آیه ۷۳ سوره مائده: ﴿لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ﴾ و آیه ۳۰ سوره توبه: ﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ﴾ از آنان انتقاد کرده‌است، اما در اینجا با بیان سیمای واقعی حضرت عیسی علیه السلام، راه صحیح را در مقابل راه باطل نشان می‌دهد.
- برای تحقق اراده‌ی خداوند، هیچ‌گونه لفظی، حتی به لفظ «کن» نیازی نیست، ولی خداوند برای فهم ما اراده‌ی خود را در این قالب بیان کرده است.
- خداوند قادر مطلق است و در آفریدن نیازی به اسباب ندارد و قدرت بی‌نهایت او، دلیل منزّه بودن او از عجز و ناتوانی، و اختیار کردن فرزند است.

قرآن و مسیح

پس از فشارهای شدید کفار مکه بر پیروان پیامبر ﷺ، جمعی از مسلمانان همراه جعفر بن ابیطالب رضی الله عنه، به حبشه هجرت کردند. کفار قریش گفتند: اگر مسلمانان در آنجا قدرتی پیدا کنند و حکومتی تشکیل دهند، بت پرستی ما را ریشه کن خواهند کرد. آنان عمروعاص و جمعی را همراه با هدایایی برای وزیران نجاشی به حبشه فرستادند. آنان هدایا را گرفتند تا نجاشی را علیه مسلمانان مهاجر تحریک نمایند؛ اما نجاشی تصمیم گرفت شخصاً مسلمانان را احضار کند و سخن آنان را بشنود.

جعفر که سخنگوی مسلمانان بود، در حضور پادشاه حبشه سخنان خود را آغاز کرد. او از ظلمت‌های بت پرستی و خرافات و تجاوزهای دوران جاهلیت و از طلوع اسلام و نورانیت دین محمد صلی الله علیه و آله چنان سخن گفت، که نجاشی گریست و هدایای کفار را برگرداند و گفت: خداوند که به من قدرت داد، از من رشوه نگرفت، چرا من از شما رشوه بگیرم؟!

این جلسه، به نفع مسلمانان و زیان کفار پایان یافت. عمروعاص پس از این شکست به فکر فرو رفت و از فردای آن روز پیشنهاد تازه‌ای مطرح کرد. او برای آنکه غیرت دینی نجاشی را تحریک کند، گفت: مسلمانان، عقایدی دارند که ضد عقیده شماست.

نجاشی بار دیگر مسلمانان را احضار کرد و عقیده آنها را درباره‌ی حضرت مسیح علیه السلام جویا شد. جعفر طیار در پاسخ، آیاتی از سوره‌ی مریم را تا آیه‌ی «ذَٰلِكَ عِيسَىٰ بْنِ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ» تلاوت کرد. نجاشی با شنیدن آیات نورانی قرآن، اشک ریخت و گفت: حقیقت همین است.

عمروعاص پس از شکست و رسوایی مجدد، همین که خواست حرکت تازه‌ای انجام دهد، نجاشی دست خود را بلند کرد و سیلی محکمی بر او نواخت.^(۱)

۱. فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۲۵۳، به نقل از کامل ابن اثیر، ج ۲، ص ۵۴؛ بحار، ج ۱۸، ص ۴۱۵.

پیام‌ها:

- ۱- در مقابل منحرفین و عقاید انحرافی، نشان دادن راه صحیح لازم است. ﴿ذَٰلِكَ عِيسَىٰ بِنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ﴾
- ۲- شأن خداوند با فرزند داشتن سازگار نیست. ﴿مَا كَانَ لِلَّهِ ...﴾ (زیرا فرزند خواهی، یا به خاطر عمر محدود ماست، یا به دلیل نیاز ما به نیروی انسانی، یا نیاز روحی و عاطفی انسان چنین اقتضا می‌کند، که خداوند از همه‌ی اینها منزّه است. ﴿سُبْحَانَهُ﴾)
- ۳- خداوند هیچ گونه فرزندی ندارد. ﴿مَنْ وُلِدَ﴾ (برخلاف بعضی‌ها که ملائکه را دختران خدا، یا عیسی را پسر خدا می‌پنداشتند.)
- ۴- فرزند باید از جنس پدر و مثل پدر باشد، اما خداوند مثل ندارد. ﴿سُبْحَانَهُ﴾
- ۵- هرگاه سخنان ناروای دیگران را نقل می‌کنیم، فوراً با کلامی توحیدی ذهن خود و دیگران را تبرئه کنیم. ﴿سُبْحَانَهُ﴾
- ۶- نه تنها عیسی عَلَيْهِ السَّلَام بدون داشتن پدر و آدم عَلَيْهِ السَّلَام بدون داشتن پدر و مادر خلق می‌شوند، بلکه هر چیزی به اراده‌ی خدا ایجاد می‌شود. ﴿كُنْ فَيَكُونُ﴾
- ۷- میان خواست خدا و تحقق اشیا، فاصله‌ای نیست. حرف «فا» در ﴿فَيَكُونُ﴾
- ۸- رابطه‌ی موجودات با خداوند، رابطه‌ی خالق و مخلوق است، نه رابطه‌ی پدر و فرزند. ﴿كُنْ فَيَكُونُ﴾

﴿۳۶﴾ وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

و در حقیقت، خدا پروردگار من و پروردگار شماست، پس او را بپرستید که راه مستقیم همین (بندگی او) است.

نکته‌ها:

□ حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام در معرفی خود گفت: من بنده‌ی خدایم، ﴿أَنِّي عَبْدُ اللَّهِ﴾ اولین دستوری که دریافت کرد درباره‌ی نماز و عبادت بود، ﴿وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ﴾ و اولین برنامه‌ای را هم

که اعلام کرد پرستش و عبادت خداوند بود. ﴿فاعبدوه﴾
 □ اصرار حضرت مسیح بر یکتاپرستی و تأکید بر اینکه راه مستقیم همین است و بس،
 پاسخی است به طرفداران تثلیث و دیگران.^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- عبادت، سزاوار کسی است که پروردگار ماست. ﴿رَبِّي وَ رَبِّكُمْ فاعبدوه﴾
- ۲- عیسی را فرزند خدا دانستن، تحریف در دین و مایه‌ی کفر است. ﴿اللَّهُ رَبِّي وَ رَبِّكُمْ فاعبدوه﴾
- ۳- یکتاپرستی و بندگی خدا، راه مستقیم و بقیه‌ی راهها بیراهه است. (در قرآن، راه خدا و رسول و عبادت و اعتصام به خدا، راه مستقیم معرفی شده است).
 ﴿هذا صراط مستقیم﴾

﴿۳۷﴾ فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ

پس گروه‌هایی از میان خودشان به اختلاف پرداختند، پس وای بر کسانی
 که کافر شدند از حضور در روز بزرگ (قیامت).

﴿۳۸﴾ أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا لَكِنِ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي

ضَلَالٍ مُّبِينٍ

چه خوب شنوا و بینايند روزی که به سوی ما می‌آیند، ولی ستمگران
 امروز در گمراهی آشکارند.

نکته‌ها:

- «حزب» گروهی است که دارای مواضع و اهداف خاص و متحدی باشند.
- کلمه‌ی «مشهد» یا به معنای محلّ حضور مردم است و یا محلّ گواهی و ادای شهادت.

۱. مشابه این آیه، در سوره‌ی آل‌عمران آیه‌ی ۵۱ و سوره‌ی زخرف آیه‌ی ۶۴ نیز آمده است.

زیرا در قیامت، هم مردم حاضر می‌شوند و هم گواهان بسیاری از فرشتگان و انبیا، درباره‌ی اعمال انسان گواهی می‌دهند.

□ بعضی از مردم، عیسی را خدا می‌دانستند، نظیر فرقه‌ی «یعقوبیه» و بعضی گفتند: او فرزند خداست، مثل «نسطوریه» و گروهی به تثلیث قائل شدند، مانند «اسرائیلیه»، ولی همه در قیامت بر بطلان عقاید خود شهادت خواهند داد.^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- با اینکه حضرت عیسی علیه السلام، راه مستقیم را نشان داد، باز گروهی اختلاف ایجاد کردند. ﴿فَاخْتَلَفَ﴾
- ۲- حزب‌گرایی و اختلاف آگاهانه، در طول تاریخ بوده است. ﴿فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابَ﴾
- ۳- کفار ظالمند. (به خود، مکتب و جامعه، ظلم می‌کنند) ﴿لَّذِينَ كَفَرُوا... الظالمون﴾

﴿۳۹﴾ وَأَنْذَرَهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

و آنان را از روز ندامت و حسرت بترسان، آن هنگام که کار (از کار) بگذرد (و همه چیز پایان یابد) در حالی که (اکنون) آنان در غفلتند و ایمان نمی‌آورند.

﴿۴۰﴾ إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِنَّا يُرْجَعُونَ

تنها ماییم که زمین و اهلس را به ارث می‌بریم و (همه) به سوی ما بازگردانده می‌شوند.

نکته‌ها:

□ کلید همه‌ی بدبختی‌ها، غفلت است. غفلت از خداوند، غفلت از معاد، غفلت از آثار و پیامدهای گناه، غفلت از توطئه‌ها، غفلت از محرومان، غفلت از تاریخ و سنت‌های آن و غفلت از جوانی و استعدادها و زمینه‌های رشد.

۱. تفسیر اطیب البیان.

□ مشابه این آیه، در مواردی از قرآن به چشم می‌خورد، از جمله:
 الف: ﴿كُلٌّ مِّنْ عَلَيْهَا فَا ن وَّ يَبْقَىٰ وَجْه رَّبِّكَ ذُو الْجَلَال وَّ الْاِكْرَام﴾^(۱) همه‌ی مردم، فانی می‌شوند و تنها ذات خداوند صاحب جلال و منعم باقی است.
 ب: ﴿وَاللّٰهُ مِيرَاث السَّمَوَات وَّ الْاَرْض﴾^(۲) ارث آسمان‌ها و زمین تنها از خداست.
 □ یکی از نام‌های قیامت ﴿يَوْم الْحَسْرَةِ﴾ است. حسرت بر فرصت‌های از دست داده و سرمایه‌های تلف شده.

پیام‌ها:

- ۱- یکی از وظایف انبیا، انذار است. ﴿وانذرهم﴾
- ۲- هر کاری می‌توانید، در دنیا انجام دهید که در قیامت، کار از کار گذشته است. ﴿قضى الامر﴾
- ۳- غفلت زمینه‌ی کفر است. ﴿فی غفلة و هم لایؤمنون﴾
- ۴- مرگ در حال غفلت و بی‌ایمانی، مایه‌ی حسرت است. ﴿فی غفلة و هم لایؤمنون﴾
- ۵- دارایی‌ها سبب غفلت، و غفلت سبب کفر است. ﴿فی غفلة و هم لایؤمنون انا نحن نرث الارض﴾

﴿٤١﴾ وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِبْرَاهِيْمَ اِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَّبِيًّا

و در این کتاب، ابراهیم را یاد کن، که او پیامبری راستگو و راست کردار بود.

نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «صِدِّیق» هم به کسی گفته می‌شود که حق را بسیار تصدیق می‌کند و هم به کسی که تمام گفتار و رفتارش بر اساس صداقت است. هر چه می‌گوید عمل می‌کند و هر چه عمل می‌کند می‌گوید.

پیام‌ها:

- ۱- یاد مردان خدا را زنده نگه داریم. ﴿وَأَذْكُرُ﴾
- ۲- توجه به کمالات دیگران و تجلیل از بزرگان، یکی از شیوه‌های تربیت است. ﴿وَأَذْكُرُ﴾
- ۳- صداقت، شرط نبوت است. ﴿صَدِيقًا نَبِيًّا﴾
- ۴- صداقتی ارزش دارد که جزء خلق و خوی انسان باشد. ﴿كَانَ صَدِيقًا﴾

﴿۴۲﴾ اِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي
عَنْكَ شَيْئًا

آنگاه که (ابراهیم) به پدرش گفت: ای پدر! چرا چیزی را می‌پرستی که
نمی‌شنود و نمی‌بیند و تو را از هیچ چیز بی‌نیاز نمی‌کند؟

نکته‌ها:

- پدر حضرت ابراهیم، فوت شده بود و کسی که در قرآن به عنوان پدر او معرفی شده، سرپرست او عمویش آزر یا شوهر مادرش بوده است.^(۱)
- در روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز می‌خوانیم که پدر حضرت ابراهیم موحد بود و مراد از «أب» در اینجا عموی اوست.
- در زبان عربی، کلمه‌ی «أب» معنای وسیعی دارد و بر معلم و مربی و حتی پدر زن نیز گفته می‌شود. در روایات نیز از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده است که فرمود: «أنا و علیُّ أبوا هذه الأمة»^(۲) من و علیّ پدران این امت هستیم.

پیام‌ها:

- ۱- مناظرات ابراهیم با عمویش قابل یادآوری و بزرگداشت است. ﴿اذ قال﴾
- ۲- در نهی از منکر، از نزدیکان خود شروع می‌کنیم. ﴿یا اَبَتِ﴾

۱. تفسیر المیزان.

۲. بحار، ج ۱۶، ص ۹۵.

- ۳- نهی از منکر مرز سنی ندارد. (پسر می تواند بزرگ خانواده را نهی کند، اما باید احترام آنان را حفظ کند.) ﴿یا اَبْتِ﴾
- ۴- همیشه کمال افراد به سن آنها بستگی ندارد؛ گاهی فرزند خانه از بزرگ ترها بهتر می فهمد. ﴿یا اَبْتِ﴾
- ۵- ارشاد و تبلیغ نباید همیشه عمومی باشد، بلکه گاهی باید به خود فرد گفته شود. ﴿یا اَبْتِ﴾
- ۶- در نهی از منکر، با ایجاد سؤال، وجدان افراد را به قضاوت گیریم. ﴿لم تعبد﴾
- ۷- در نهی از منکر، از منکرهای اعتقادی شروع کنیم. (متأسفانه ما بیشتر سرگرم منکرهای اخلاقی و اجتماعی هستیم) ﴿لم تعبد﴾
- ۸- راه حق را فدای عواطف نکنیم. ﴿لایبیه لم تعبد﴾ خویشاوندی نباید مانع نهی از منکر شود.

﴿۴۳﴾ يَا اَبْتِ اِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي اَهْدِكَ
صِرَاطًا سَوِيًّا

ای پدر! همانا دانشی برای من آمده که برای تو نیامده است؛ بنابراین، از من پیروی کن تا تو را به راه راست هدایت کنم.

﴿۴۴﴾ يَا اَبْتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ اِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمٰنِ عَصِيًّا

ای پدر! شیطان را پرستش مکن که شیطان نسبت به خداوند رحمان عصیانگر است.

نکته‌ها:

- مراد از عبادت شیطان، ﴿لا تعبد الشیطان﴾ همان اطاعت و پیروی از اوست که انسان را بنده و برده شیطان می‌گرداند.

پیام‌ها:

- ۱- علم، مسئولیت آور است. ﴿جائنی من العلم﴾، ﴿فاتبعنی﴾
- ۲- علم انبیا نیز محدود است. ﴿من العلم﴾
- ۳- کسی که نهی از منکر می‌کند باید خود عالم باشد. ﴿جائنی من العلم... لاتعبد...﴾
- ۴- در مواردی، تجلیل از خود لازم است. ﴿قد جاءنی من العلم ما لم یأتک﴾
- ۵- ریشه‌ی شرک، جهل است. ﴿جاءنی من العلم ما لم یأتک﴾
- ۶- مردم باید پیرو عالم باشند. ﴿جاءنی من العلم... فاتبعنی﴾
- ۷- انسان خردسال می‌تواند امام بزرگسالان باشد. ﴿فاتبعنی﴾
- ۸- پیروی از انبیا قرار گرفتن در راه مستقیم است. ﴿فاتبعنی اهدک صراطاً سوياً﴾
- ۹- راه انبیا، راه اعتدال است، نه افراط و تفریط. ﴿صراطاً سوياً﴾
- ۱۰- در نهی از منکر، دلیل را هم بیان کنیم. ﴿لا تعبد الشیطان... کان للرحمن عصیاً﴾
- ۱۱- ولایت و دوستی شیطان خطرناک است. او که خدا را معصیت کرده بر سر ما چه خواهد آورد؟ ﴿إنّ الشیطان کان للرحمن عصیاً﴾ (خدایی که سرچشمه‌ی همه‌ی رحمت‌هاست، عصیان‌ش چقدر قبیح است؟)

﴿ ۴۵ ﴾ يَا أَبَتِ ابْنِي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ
لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا

ای پدر! همانا من می‌ترسم که از جانب خدای رحمان عذابی به تو رسد، و
تو برای شیطان دوست و یاور باشی.

پیام‌ها:

- ۱- در دعوت و تبلیغ، با استفاده از عواطف، زمینه‌ی پذیرش را فراهم کنیم. (در این آیات، چهار مرتبه ﴿یا ایت﴾ آمده است)
- ۲- انبیا دلسوز مردمند. ﴿انی اخاف﴾
- ۳- انسان به جایی می‌رسد که سرچشمه‌ی رحمت را به غضب وامی‌دارد و خدای

- رحمان را خشمگین می‌کند. ﴿عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ﴾
 ۴- اگر بستگان پیامبر نیز منحرف باشند، به عذاب الهی مبتلا می‌شوند. ﴿يَا ابْنَ آدَمَ
 اخاف... عذاب﴾
 ۵- کسی که در راه مستقیم قرار نگیرد، در ولایت شیطان قرار می‌گیرد. ﴿اهْدِكَ
 صراطاً سوياً... فتكون للشيطان ولياً﴾
 ۶- اگر کسی را دوست داریم، نباید دشمن او را دوست بداریم. ﴿لِلرَّحْمَنِ عَصِيّاً...
 للشيطان ولياً﴾

﴿٤٦﴾ قَالَ أَرَأَيْتُ أَنْتَ عَنْ آلِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمُ لئن لم تنته لأرجمك و
 أَهْجُرْنِي مَلِيّاً

گفت: ای ابراهیم! آیا از خدایان من بی‌زاری؟ اگر از (این روش) دست
 برداری قطعاً تو را سنگسار خواهم کرد و (اکنون) برای مدتی طولانی از
 من دور شو.

نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «مَلِيّاً» از «املاء»، به معنای مهلت دادن طولانی است.

پیام‌ها:

- ۱- گاهی باید عقاید خود را مخفی کرد. (گویا ابراهیم تا آن لحظه عقاید خود را
 حتی از عموی خود مخفی داشته است. زیرا عمو با تعجب با او سخن گفت.)
 ﴿أَرَأَيْتُ﴾
- ۲- این آیه، مایه‌ی دل‌داری پیامبر است که اگر ابولهب، عموی تو کافر است و تو را
 تهدید می‌کند، عموی ابراهیم نیز چنین بود. ﴿قَالَ أَرَأَيْتُ أَنْتَ﴾
- ۳- انسان به جایی می‌رسد که حرف حق برایش تلخ و سبب تعجب است.
 ﴿أَرَأَيْتُ أَنْتَ﴾

- ۴- نپذیرفتن سخن حق، از کوچک‌تر از خود، نشانه‌ی تکبر است. ﴿أَرَأَيْتُ أَنْتَ﴾
 ۵- کسی که یک خدای با شعور را نپذیرد، چند خدای بی شعور را خواهد پذیرفت. ﴿الْهَقِّ﴾
 ۶- حق‌گویی و مبارزه با سنت‌های باطل، آوراگی و محرومیت به دنبال دارد. ﴿لَارْجَمَنَّكُ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا﴾

﴿۴۷﴾ قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا

(ابراهیم از او جدا شد و) گفت: سلام بر تو، به زودی از پروردگارم برای تو آمرزش می‌خواهم، زیرا او همواره نسبت به من بسیار مهربان بوده است.

نکته‌ها:

- کلمه‌ی «حَقِّ» به کسی گفته می‌شود که کمال نیکی و گرمی‌داشت را در حق دیگری دارد^(۱) و گاهی به معنای عالم است.
- در این آیات، روحیات مؤمن و کافر در گفتگوها به خوبی به چشم می‌خورد:
- الف: ابراهیم عاطفی حرف می‌زند و عمویش با خشونت، ابراهیم چهار بار می‌گوید: «یا اَبْتِ» ولی عموی بت‌پرستش حتی یک بار نگفت: «یا بَنِي»
- ب: ابراهیم با استدلال حرف می‌زند، اما آزر بی‌دلیل سخن می‌گوید. ابراهیم می‌گوید: «لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ» عمو می‌گوید: «الْهَقِّ»
- ج: ابراهیم، دلسوزانه حرف می‌زند، اما آزر با تهدید جواب می‌دهد.
- د: ابراهیم، سلام می‌کند، اما آزر دستور فاصله گرفتن می‌دهد. «واهجرنی»
- کم مباح از درخت سایه فکن هر که سنگت زند ثمر بخشش
- استغفار حضرت ابراهیم، برای عموی بت‌پرستش به خاطر آن بود که احتمال هدایت شدن او را می‌داد. ﴿سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ﴾ ولی همین که از هدایت عمو مأیوس شد، از او براءت جست.

۱. لسان العرب.

قرآن می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِابْنِهِ إِيَّاهُ عَنْ مُوعَدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّءَ مِنْهُ﴾^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- مردان خدا در برابر تهدید و تحقیر دیگران، صبور و دریا دلند. ﴿قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ﴾
- ۲- سعی کنیم آتش خشم دیگران را با سخنان زیبا و آرام‌بخش، خاموش کنیم. ﴿لَارْجَمَنَّكَ ... قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ﴾
- ۳- استغفار انبیا و اولیا، آثار خاصی دارد. (و گرنه وعده‌ی استغفار نقش مهمی ندارد.) ﴿سَاسْتَغْفِرُ لَكَ﴾
- ۴- قبول عذرخواهی، از شئون ربوبیت است. ﴿سَاسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي﴾
- ۵- برای استغفار، زمان‌های خاصی اولویت دارد. ﴿سَاسْتَغْفِرُ﴾ یعنی در زمان مناسب دعا خواهم کرد.
- ۶- از آداب دعا توجه به ربوبیت خداوند است. ﴿رَبِّي﴾
- ۷- در برابر تهدیدهای مخالفان، به یاد الطاف خدا باشیم. ﴿أَنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا﴾

﴿٤٨﴾ وَأَعْتَزِلْكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا

و من از شما و آنچه غیر خدا می‌خوانید کناره‌گیری می‌کنم و پروردگارم را می‌خوانم، امیدوارم که در خواندن پروردگارم محروم (و بی پاسخ) نمانم.

نکته‌ها:

□ جوانان خداپرستی که در خانواده‌های منحرف زندگی می‌کنند، باید خط حضرت ابراهیم را پیش گیرند. دعوت همراه با ادب، ﴿یا ایت﴾ دلسوزی و همراه با منطق، ﴿لِمَ تَعْبُدُونَ...﴾ انذار همراه با دعا، ﴿اِنِّي اَخَافُ... سَاسْتَغْفِرُ لَكَ﴾ سلام همراه با استغفار، ﴿سَاسْتَغْفِرُ لَكَ﴾ استغفار

لك ﴿ و در پایان جدایی. ﴿واعترلكم﴾

پیام‌ها:

- ۱- از مراحل نهایی نهی از منکر، قطع رابطه است. ﴿واعترلكم﴾ (اگر نمی‌توانیم محیط فاسد را عوض کنیم، لااقل آن را ترک کنیم).
- ۲- یکی از اصول اساسی مکتب‌های الهی، برائت از کفار است. ﴿واعترلكم﴾
- ۳- برائت، قبل از ولایت است. ابتدا باید از شرک و طاغوت و فساد جدا شویم، بعد به حق وصل شویم. ﴿اعترلكم... ادعوا ربی﴾
- آری، دیو چو بیرون رود، فرشته در آید. ابتدا «لا اله» سپس «الا الله»، در قرآن ابتدا جمله‌ی «یکفر بالطاغوت» را می‌خوانیم بعد جمله‌ی «یؤمن بالله»^(۱) را.
- ۴- اگر بخواهیم دعای ما دعای ابراهیمی شود، باید از افراد و مراکز آلوده دوری کنیم. ﴿اعترلكم... ادعوا﴾
- ۵- کلمه‌ی «رب» در دعا نقش مهمی دارد. ﴿ادعوا ربی - بدعاء ربی﴾
- ۶- مؤمن میان خوف و رجا است. ﴿عی...﴾ اگر خوف در انسان غالب شود، او را به یأس می‌کشاند و اگر امید بر او غالب شود، او را تن‌پرور می‌کند، بنابراین باید انسان بین خوف و رجا و بیم و امید باشد.
- ۷- استجابت دعا تفضل الهی است. ﴿عی﴾
- ۸- حتی انبیا برای آینده‌ی خود به خداوند امیدوارند.^(۲) ﴿عی الا اکون... شقیاً﴾

﴿ ۴۹ ﴾ فَلَمَّا أَعْتَزَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ

يَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا

چون ابراهیم از مشرکان و از آنچه به جای خدا می‌پرستیدند کناره گرفت، ما اسحاق و(فرزندش) یعقوب را به او عطا کردیم و همه را پیامبر قرار دادیم.

۱. بقره، ۲۵۶.

۲. تفسیر المیزان.

﴿ ۵۰ ﴾ وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِّن رَّحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا

و از رحمت خویش به آنها عطا کردیم و برای آنان (در میان مردم) نام بلند و نیکو قرار دادیم.

نکته‌ها:

سیمای ابراهیم علیه السلام

* ابراهیم علیه السلام از ستاره و ماه و خورشید دل برید، به خدا رسید. ﴿لَا احِبُّ الْاَقْلِينَ... وَجْهت وجهی...﴾^(۱)

* عمومی منحرف را رها کرد، خود برای همه‌ی مردم پدر شد. ﴿مَلَّةٌ اَبِيكُمْ﴾^(۲)

* عمو با او قهر کرد، ﴿واهجرتني ملياً﴾^(۳) اما خدا به او لطف کرد. ﴿اِنَّهٗ كَانَ بِي حَفِيًّا﴾^(۴)

* برای خدا کناره‌گیری کرد، ﴿اعتزلکم﴾^(۵) شهره آفاق شد. ﴿جعلناهم لسان صدق﴾

* از خانه بتها فرار کرد، سازنده خانه توحید شد. ﴿اذيرفع ابراهيم القواعد من البيت﴾^(۶)

* جانش را در راه خدا تسلیم کرد، آتش بر او گلستان شد. ﴿ياناركوني برداً و سلاماً﴾^(۷)

* فرزند را برای ذبح آماده کرد، ﴿و تلّه للجبين﴾^(۸) جان به سلامت برد و سنت قربانی در جایگاهش واجب شد.

* تا اواخر عمر بی‌فرزند، ولی راضی بود، در پایان عمر، نبوت در دودمانش قرار گرفت.

* در خلوت‌ترین مکان‌ها کعبه را ساخت، پرجاذبه‌ترین مناطق زمین شد.

* در بیابان، تنهای تنها فریاد زد، از تمام زمین، لَبَّيْكَ گو رسید. ﴿اِذْنِ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ﴾^(۹)

* کودک تشنه‌ی خود را رها کرد، آب زمزم، برای همیشه جاری شد.

* در برابر تهدید عمومی بت‌پرستش سلام کرد، ﴿قال سلامٌ عليك﴾^(۱۰) خداوند به او سلام

۳. مریم، ۴۶.

۲. حج، ۷۸.

۱. انعام، ۷۶ - ۷۹.

۶. بقره، ۱۲۷.

۵. مریم، ۴۸.

۴. مریم، ۴۷.

۹. حج، ۲۷.

۸. صافات، ۱۰۳.

۷. انبیا، ۶۹.

۱۰. مریم، ۴۷.

فرستاد. ﴿سَلَامٌ عَلٰی اِبْرٰهٖمَ﴾^(۱)

* یک نفر بود، امروز همه مکتب‌های آسمانی، خود را ابراهیمی می‌دانند.

* همه با اودشمنی کردند، خدا او را خلیل خود دانست. ﴿وَ اتَّخَذَ اللّٰهُ اِبْرٰهٖمَ خَلِيْلًا﴾^(۲)

پیام‌ها:

- ۱- هم از گناهکار جدا شویم و هم از گناه، زیرا کناره‌گیری از منحرفان، زمانی مؤثر است که با کناره‌گیری از انحراف همراه باشد. ﴿اعْتزلکم و ماتدعون - اعترلهم و ما یعبدون﴾
- ۲- فرزند صالح، پاداش مجاهدت‌های والدین است. ﴿فلما اعترلهم ... وهبنا﴾
- ۳- اگر غیر خدا را رها کنیم، امدادهای الهی می‌رسد. ﴿فلما اعترلهم ... وهبنا﴾
- ۴- مهم‌تر از فرزند، مقام معنوی اوست. ﴿وهبنا له اسحق و یعقوب و کلاً جعلنا نبیاً﴾
- ۵- نوه‌ی انسان نیز از الطاف الهی است. ﴿وهبنا له اسحاق و یعقوب﴾ (یعقوب نوه‌ی ابراهیم بود).^(۳)
- ۶- نبوت، مقامی است که خداوند تعیین می‌کند. ﴿جعلنا نبیاً﴾
- ۷- یک حرکت الهی از یک پدر بزرگ، نسلی را در رحمت الهی غرق می‌کند. ﴿اعترلهم ... وهبنا له﴾
- ۸- هر کس، هر چه دارد از خداست. ﴿وهبنا ... جعلنا ... رحمتنا﴾
- ۹- رحمت خداوند به قدری وسیع است که انبیا هر چه دریافت می‌کنند، تنها گوشه‌ای از آن است. ﴿من رحمتنا﴾
- ۱۰- محبویّت و خوشنامی، از الطاف الهی است. ﴿جعلنا لهم لسان صدق﴾ (مقام ابراهیم به جایی رسید که همه‌ی مشرکان و یهودیان و مسیحیان می‌گفتند: ابراهیم از ماست).

۱. صافات، ۱۰۹.

۲. نساء، ۱۲۵.

۳. ﴿قبشترناها باسحاق و من وراء اسحاق یعقوب﴾ هود، ۷۱.

۱۱- دعای مردان خدا مستجاب است. (ابراهیم از خدا نام نیک خواست ﴿واجعل لی لسان صدق فی الاخرین﴾ در این آیه می فرماید: ﴿جعلناهم لسان صدق علیاً﴾

﴿۵۱﴾ وَأَذْكَرُ فِي الْكِتَابِ مُوسَىٰ إِنَّهُ كَانَ مُخْلِصًا وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا

و در این کتاب از موسی یاد کن، زیرا که او بنده‌ی (برگزیده و) خالص شده (خدا) و فرستاده‌ای پیامبر بود.

نکته‌ها:

□ کلمه «مُخْلِصٌ» (با کسر لام) به معنای کسی است که فقط برای خداوند کار می‌کند، ولی ممکن است شیطان در او اثر گذارده و او را به شرک بکشاند. چه بسیارند کسانی که هنگام عذاب و غرق شدن مخلص هستند، ولی بعد از نجات به شرک می‌گرایند. اما کلمه «مُخْلِصٌ» آن گروه از افراد برگزیده‌ای هستند که شیطان راه نفوذ بر آنان را ندارد. ﴿الْأَعْبَادُ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ﴾^(۱) به گفته تفسیر کشاف «مُخْلِصٌ» کسی است که برای خدا کار می‌کند و «مُخْلِصٌ» کسی است که خداوند او را برای خود خالص کرده و برگزیده است و غیر خدا در او اثر نمی‌کند.

□ برگزیدگی موسی را در آیات دیگر می‌بینیم: ﴿وَأَنَا أَخْتَرْتُكَ﴾^(۲) من تو را انتخاب کردم و در جای دیگر آمده: ﴿وَأَصْطَفَيْتَكَ لِنَفْسِي﴾^(۳) من تو را برای خودم برگزیدم.

□ حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ هم رسول بود و هم نبی. «نبی»، کسی است که صدای فرشته را می‌شنود، ولی شخص فرشته را نمی‌بیند، اما «رسول» علاوه بر شنیدن صدا، خود فرشته را هم می‌بیند.^(۴) ﴿رَسُولًا نَّبِيًّا﴾

پیام‌ها:

۱- یاد بزرگان، آثار تربیتی و الگویی دارد. ﴿واذکر...﴾

۳. طه، ۴۱.

۲. طه، ۱۳.

۱. حجر، ۴۰.

۴. تفسیر المیزان و نورالثقلین.

- آشنایی با تاریخ انبیا و مجاهدت‌های آنان، سنت‌های الهی و امدادهای غیبی، زمینه‌ی کسب تجربه‌ها و عبرت‌ها و عامل دلگرمی است. (خصوصاً تاریخ پرماجرایی موسی که صدها آیه را به خود اختصاص داده است) ﴿واذکر﴾
- ۲- ارزشهای معنوی ملاک بزرگداشت است. ﴿واذکر... اِنَّهٗ کان مخلصاً﴾
- ۳- خلوص، زمینه‌ی دستیابی به رتبه‌های معنوی است. ﴿مخلصاً... رسولا نبیاً﴾
- ۴- انبیا معصومند و شیطان در آنان نفوذی ندارد. ﴿مخلصاً﴾
- ۵- خداوند، افرادی را برای اتمام رسالت خالص کرده است. ^(۱) ﴿کان مخلصاً﴾

﴿۵۲﴾ وَ نَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا

و از جانب راست (کوه) طور او را ندا دادیم و به (مقام قرب خود و) رازگویی نزدیکش ساختیم.

نکته‌ها:

- کلمه «ایمن» یا از «یمن» به معنای مبارک است و یا از «یمن» به معنای جانب راست.
- در آغاز آیه، ندا و در پایانش مناجات مطرح شده و این نشانه‌ی مهربانی خداوند است، مثل اینکه مولایی عزیز، برده‌اش را بلند صدا زند که «بیا نزد من بنشین تا با هم خصوصی صحبت کنیم». ^(۲)
- در قرآن، درباره‌ی گفتگو و ارتباط موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ با خداوند؛ هم به «تکلم» تعبیر شده، ﴿كَلَّمَ اللّٰهُ مُوسٰى تَكْلِیْمًا﴾ ^(۳)، هم به «ندا»، ﴿نَادَيْنَاهُ﴾ و هم به نجوی. ﴿قَرَّبْنَاهُ نَجِیًّا﴾
- مراد از قرب در آیه، قرب و نزدیکی مکانی نیست، بلکه قرب مقامی است.
- کوه طور، میان مصر و مدین واقع است. ^(۴)

۱. چنانکه در آیه‌ی ۴۵ سوره ص نیز می‌خوانیم: ﴿اِنَّا اٰخٰصْنٰهُمْ﴾

۲. تفسیر المیزان. ۳. نساء، ۱۶۴. ۴. تفسیر کشف‌الاسرار.

پیام‌ها:

- ۱- خداوند متعال با لطف و مهربانی، انبیا را گام به گام به خود نزدیک می‌کند.
﴿نادیناه... قرّیناه﴾
- ۲- بعضی مکان‌ها قداست دارند. ﴿جانب الطور﴾
- ۳- مقام قرب و نجوی، بالاترین مقام‌هاست.^(۱) ﴿و قرّیناه نجیّا﴾
- ۴- خداوند بعضی مطالب را با انبیا نجوا کرده و محرمانه می‌گوید. ﴿نجیّا﴾

﴿۵۳﴾ وَ وَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا

و از رحمت خویش، برادرش هارون پیامبر را به او بخشیدیم.

پیام‌ها:

- ۱- دعای انبیا مستجاب است. موسی علیه السلام از خداوند خواست برادرش هارون را وزیر او قرار دهد. ﴿واجعل لی وزیراً من اهلی . هارون اخی . اشدد به ازری﴾^(۲)
خداوند نیز با درخواست او موافقت کرد. ﴿وهبنا له... هارون نبیّاً﴾
- ۲- همکار خوب، یکی از الطاف الهی است. ﴿و وهبنا له من رحمتنا... هارون نبیّاً﴾
- ۳- در یک زمان ممکن است پیامبران متعدّدی حضور داشته باشند. ﴿و وهبنا له من رحمتنا... هارون نبیّاً﴾
- ۴- مقام نبوت، مانع پیروی یک پیامبر از پیامبر دیگر نیست. ﴿وهبنا له... هارون نبیّاً﴾

۱. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: ﴿اذا اشتغل اهل الجنة بالجنة اشتغل اهل الله بالله﴾ آنگاه که اهل بهشت از نعمت‌های بهشت بهره می‌برند، اهل الله به خدا مشغولند (و با او راز و نیاز می‌کنند).
۲. طه، ۲۹ - ۳۱.

﴿۵۴﴾ وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا

و در این کتاب از اسماعیل یاد کن که او همواره در وعده‌هایش صادق و فرستاده‌ای پیامبر بود.

﴿۵۵﴾ وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا

و همواره خاندان خود را به نماز و زکات امر می‌کرد و پیوسته نزد پروردگارش مورد رضایت بود.

نکته‌ها:

- مراد از اسماعیل، فرزند حضرت ابراهیم نیست، بلکه پیامبری از پیامبران است، در تفسیر قمی نام او را اسماعیل بن حزقیل ذکر کرده است.
- همه پیامبران، صادق‌الوعد بوده‌اند، اما بروز این خصلت در اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام بیشتر بوده است. درباره‌ی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت شده است که آن حضرت با شخصی در کنار کعبه قرار ملاقات داشتند و آن شخص فراموش کرد. حضرت تا سه روز منتظر ماند تا به آن شخص خبر دادند، آن شخص آمد و عذرخواهی کرد.^(۱) همچنین پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با کسی وعده گذاشت که هنگام ظهر او را ملاقات کند، ولی چون او نیامد، حضرت تا غروب منتظر ماند.
- صادق‌الوعد بودن، صفتی الهی است، «إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْلِفُ الْمِيعَادَ»^(۲) و تخلف در وعده، نشانه‌ی نفاق است. در احادیث می‌خوانیم: علامت منافق سه چیز است: خیانت در امانت، دروغ در سخن، تخلف در وعده.^(۳)
- مقام رضوان و رضایت، بزرگ‌ترین خواسته و هدف انبیا است. «وَجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا»^(۴)، «وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا»^(۵) در حدیث می‌خوانیم: چون اهل بهشت در بهشت مستقر

۱. تفسیر المیزان.

۲. آل عمران، ۹.

۳. تفسیر نورالثقلین.

۴. مریم، ۶.

۵. مریم، ۵۵.

شوند، خطاب می‌رسد آیا حاجت دیگری دارید؟ می‌گویند: «رَبَّنَا رِضَاكَ» پروردگارا! رضای تو هدف ماست.^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- تجلیل از بزرگان لازم است. ﴿وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ﴾
- ۲- تجلیل از بزرگان، باید پایدار و عمیق باشد، نه سطحی و زودگذر. ﴿فِي الْكِتَابِ﴾
- ۳- ملاک تجلیل باید کمالات معنوی پایدار باشد. ﴿كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ﴾
- ۴- وفای به عهد، از صفات ارزشمند انسانی است. ﴿كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ﴾
- ۵- پیامبران، علاوه بر مسئولیت اجتماعی، مسئولیت خانوادگی هم دارند. ﴿وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ﴾
- ۶- سفارش به نماز و زکات، از وظایف پدر خانواده است. ﴿وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ﴾ (با اینکه سفارش به نماز در خانواده‌ها کم و بیش هست، اما سفارش به زکات نیست.)
- ۷- امر به نماز و زکات، از مصادیق امر به معروف است. ﴿وَكَانَ يَأْمُرُ﴾
- ۸- نماز و زکات، سابقه‌ای بس طولانی دارند. ﴿وَكَانَ يَأْمُرُ...﴾
- ۹- نماز (ارتباط با خالق) و زکات (ارتباط با مخلوق)، از هم جدا نیست. (عبادت بدنی به تنهایی شرط کمال نیست). ﴿بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ﴾
- ۱۰- در امر به معروف و توصیه به نماز، باید از نزدیکان شروع کنیم. ﴿كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ﴾
- ۱۱- ارشاد و توصیه به نماز باید دائمی باشد. ﴿وَكَانَ يَأْمُرُ...﴾

﴿۵۶﴾ وَ أَذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا

و در این کتاب، از ادريس یاد کن، همانا او پیامبری بسیار راستگو بود.

۱. تفسیر اطیب البیان.

﴿۵۷﴾ وَ رَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا

و ما او را به مقام والایی رساندیم.

نکته‌ها:

□ مراد از «مکاناً علیاً»، مقام بلند معنوی یا عروج به آسمان‌هاست.

□ «صدیق» به کسی گفته می‌شود که گفتار و رفتارش با هم هماهنگ باشد.

سیمای ادريس عليه السلام

* حضرت ادريس، از اجداد حضرت نوح است و به دليل اشتغال زياد او به درس^(۱) يا به خاطر

آن که اولين کسی بود که با قلم نوشت، به ادريس مشهور شد.^(۲)

* نام شريف ادريس، دو بار در قرآن آمده و با اوصاف «صدیق»، «صابر» و «نبي» از او تجليل شده است.

* در حديثی می‌خوانيم: خانه‌ی ادريس، در مسجد سهله در اطراف نجف اشرف بوده است.^(۳)

* ادريس، اولين کسی بود که علم نجوم و حساب را می‌دانست.^(۴)

* اولين کسی بود که به انسان، خياطي آموخت.^(۵)

* ادريس عليه السلام ۳۶۵ سال عمر کرد و بعد به آسمان رفت و اکنون زنده است و در زمان ظهور حضرت مهدي عليه السلام حاضر خواهد شد.^(۶)

پیام‌ها:

۱- یاد و تجليل از بزرگان و سيله رشد و هدايت ديگران است. ﴿واذکر﴾

۲- تجليل‌ها بايد پايدار بماند. ﴿فی الكتاب﴾

۳- معيار تجليل از افراد، بايد ارزشهای معنوی آنان باشد. ﴿صدیقاً نبیاً﴾

۴- صداقت، شرط تأثیرگذاری در تبليغ است. ﴿صدیقاً نبیاً﴾ تقدم کلمه‌ی «صدیق»

۱. تفسير الميزان.

۲. تفسير نمونه.

۳. تفسير الميزان.

۴. تفسير اطيب البیان.

۵. تفسير نمونه.

۶. تفسير اطيب البیان.

بر «نبی»، نشانه‌ی آن است که صداقت زمینه‌ی نبوت است.

﴿ ۵۸ ﴾ **أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَّةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا**

آنان پیامبرانی بودند که خداوند بر آنها نعمت (ویژه) ارزانی داشت؛ از نسل آدم و از (فرزندان) کسانی که با نوح (در کشتی) سوارشان کردیم و از نسل ابراهیم و اسرائیل (یعقوب) و از کسانی که هدایت نمودیم و برگزیدیم؛ هرگاه آیات خدای رحمان بر آنان خوانده می‌شد سجده‌کنان و گریان از رو به خاک می‌افتادند.

نکته‌ها:

□ نام ده نفر از انبیا در آیات قبل ذکر شد: زکریا، یحیی، عیسی، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، موسی، هارون، اسماعیل و ادريس. اکنون این آیه با اشاره به آنان می‌فرماید: آنها کسانی هستند که خدا به ایشان نعمت داد. این گروه، همان‌هایی هستند که هر روز ده بار در نماز از خدا می‌خواهیم که راه آنان را برویم، نه راه گمراهان و منحرفان را. «اهدنا الصراط المستقیم . صراط الذین انعمت علیهم»

□ مراد از ذریه آدم، ادريس است و مراد از «ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ» حضرت ابراهیم است که نوه‌ی نوح است، و منظور از «ذُرِّيَّةِ إِبْرَاهِيمَ»، اسحاق و اسماعیل و یعقوب است و منظور از «ذُرِّيَّةِ إِسْرَائِيلَ»، موسی و هارون و زکریا و یحیی و عیسی است.^(۱)

□ در حدیث می‌خوانیم: هنگام تلاوت قرآن، محزون شده و گریه کنید یا خود را به حالت گریان در آورید.^(۲)

□ بهترین مصداق برگزیدگان الهی که سجده‌های طولانی همراه با اشک داشته‌اند، پیامبر

۱. تفسیر نمونه.

۲. تفسیر صافی.

اسلام و اهل بیت معصومش علیهم السلام بوده‌اند. درباره همه‌ی آنان خاطراتی از سجده‌ها و گریه‌های فراوانشان در مناجات‌های ماه رمضان وعرفه و... وجود دارد.

پیام‌ها:

- ۱- هدف همه‌ی انبیا یکی است. (خداوند پیامبران را در کنار هم قرار می‌دهد و همه را با یک وصف توصیف می‌کند) ﴿اُولَئِكَ الَّذِیْنَ اَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَیْهِمْ ...﴾
- ۲- مُنْعِم حقیقی، خداوند است. ﴿اَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَیْهِمْ﴾
- ۳- والدین و نیاکان، از نظر وراثت در تربیت نسل مؤثرند. ﴿ذُرِّیَّةَ اٰدَمَ... ذُرِّیَّةَ اِبْرٰهٖمَ﴾
- ۴- گرچه همه‌ی انبیا از ذرّیه آدم هستند، ولی در نام بردن نوح و ابراهیم و اسرائیل (یعقوب)، از آنان تجلیل خاصی شده است. ﴿مَعَ نُوْحٍ وَ مِنْ ذُرِّیَّةٍ ...﴾
- ۵- گریه در سجده آن قدر ارزشمند است که خداوند از اهل آن تجلیل کرده است. ﴿سَجْدًا وَّ بَکِیًّا﴾
- ۶- گریه وزاری به درگاه الهی، نشانه‌ی رشد، شناخت، توفیق و برگزیدگی است. ﴿وَمَنْ هَدٰیْنَا وَاجْتَبٰیْنَا...﴾

﴿۵۹﴾ فَخَلَفَ مِنْ بَٰعْدِهِمْ خَلْفٌ اَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ یَلْقَوْنَ غَیًّا

آنگاه پس از آنان، جانشینان بد و ناشایسته‌ای آمدند که نماز را ضایع کردند و هوسها را پیروی کردند. پس به زودی (کیفر) گمراهی خود را خواهند دید.

﴿۶۰﴾ اِلَّا مَنْ تَابَ وَ اٰمَنَ وَعَمِلَ صٰلِحًا فَاُولٰٓئِكَ یَدْخُلُوْنَ الْجَنَّةَ وَ لَا یُظَلَمُوْنَ شَیْئًا

مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و کار شایسته انجام دهد، پس آنها داخل بهشت می‌شوند و به هیچ وجه مورد ستم قرار نمی‌گیرند (و از پاداششان کاسته نمی‌شود).

نکته‌ها:

- «خَلْف»، فرزند صالح را گویند و «خُلْف» فرزند ناصالح است. کلمه‌ی «غَيِّ» در مقابل رشد است. «قَدْ تَبَيَّنَ الرَّشْدُ مِنَ الْغَيِّ»^(۱)
- ضایع کردن نماز، غیر از نخواندن و ترک آن است. کسی که نماز می‌خواند، ولی بدون رعایت شرایط آن یا با تأخیر، چنین کسی نماز را ضایع کرده و آن را سبک شمرده است.^(۲)
- در روایتی می‌خوانیم: همین که حضرت رسول ﷺ این آیه را تلاوت می‌فرمودند، منقلب شده، فرمودند: بعد از ۶۰ سال، گروهی نماز را ضایع خواهند کرد.^(۳)
- اگر این سخن در اوایل سال اول هجری گفته شده باشد، سال ۶۰ همان سال شهادت امام حسین علیه السلام و سال به قدرت رسیدن یزید است.

توبه در قرآن

- * معمولاً قرآن کریم بدنبال آیات عذاب، جمله‌ی «الَّذِينَ تَابُوا» یا جمله‌ی «الَّذِينَ تَابُوا» را آورده تا بگوید: راه اصلاح، هرگز بر کسی بسته نیست.
- * توبه، واجب است. زیرا فرمان خداوند است. «تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ»^(۴)
- * قبول توبه‌ی واقعی قطعی است، زیرا نمی‌توان باور کرد که ما به امر او توبه کنیم ولی او نپذیرد. «هُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ»^(۵)، «هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»^(۶)
- * خداوند هم توبه را می‌پذیرد و هم کسانی را که بسیار توبه می‌کنند دوست دارد. «يُحِبُّ التَّوَّابِينَ»^(۷)
- * توبه، باید با عمل نیک و جبران گناهان همراه باشد. «تَابَ وَ عَمِلَ صَالِحًا»^(۸)، «تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَ اصْلَحَ»^(۹)، «تَابُوا وَ اصْلَحُوا وَ بَيَّتُوا»^(۱۰)
- * توبه، رمز رستگاری است. «تَوْبُوا ... لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ»^(۱۱)

۱. بقره، ۲۵۶.	۲. بحار، ج ۱۱، ص ۷۲.	۳. تفسیر نمونه.
۴. تحریم، ۸.	۵. شوری، ۳۷.	۶. بقره، ۳۷.
۷. بقره، ۲۲۲.	۸. فرقان، ۷۱.	۹. انعام، ۵۴.
۱۰. بقره، ۱۶۰.	۱۱. نور، ۳۱.	

* توبه، وسیله‌ی تبدیل سیئات به حسنات است. ﴿الّا من تاب و عمل صالحاً فاولئك يبدل الله سيئاتهم حسنات﴾^(۱)

* توبه، سبب نزول باران است. ﴿توبوا ... يرسل السماء﴾^(۲)

* توبه، سبب رزق نیکو است. ﴿توبوا اليه يمتعكم متاعاً حسناً﴾^(۳)

* توبه در هنگام دیدن آثار مرگ و عذاب پذیرفته نمی‌شود. ﴿حتی اذا حضر احدهم الموت قال انی تبت الان﴾^(۴)

* خداوند علاوه بر قبول توبه، لطف ویژه نیز دارد. ﴿هو التّواب الرحیم﴾^(۵)

﴿ثمّ تاب و اصلح فانه غفور رحیم﴾^(۶)، ﴿ثمّ تاب عليهم انه بهم رؤوف رحیم﴾^(۷)

﴿الّا من تاب و آمن و عمل صالحاً فاولئك يدخلون الجنة﴾^(۸)

﴿ثمّ توبوا اليه ان ربی رحیم ودود﴾^(۹) در این آیات در کنار توبه به مسئله رحمت و رأفت و محبت الهی اشاره شده است.

* قرآن ترک توبه را ظلم و هلاکت دانسته است. ﴿و من لم يتب فاولئك هم الظالمون﴾^(۱۰) ﴿ثم لم يتوبوا فلهم عذاب جهنم﴾^(۱۱)

پیام‌ها:

- ۱- گاهی فرزندان و نسل آینده، زحمت‌های پدران را تباه می‌کنند. (گاهی از خوبان، نسل نااهل پیدا می‌شود) ﴿خلف اضاعوا الصلوة﴾
- ۲- نماز محور دین است. (برای نشان دادن چهره‌ی نسلی به نسل دیگر، ضایع کردن نماز آنان را نشان می‌دهد) ﴿فخلف خلف اضاعوا الصلوة﴾
- ۳- نماز، سدّی است میان انسان و شهوت‌ها و اگر این سدّ شکسته شود، پیروی از شهوت‌ها برای انسان آسان می‌شود. ﴿اضاعوا الصلوة و اتبعوا الشهوات﴾

۳. هود، ۳.

۲. هود، ۵۲.

۱. فرقان، ۷۰.

۶. انعام، ۵۴.

۵. بقره، ۳۷.

۴. نساء، ۱۸.

۹. هود، ۹۰.

۸. مریم، ۶۰.

۷. توبه، ۱۱۷.

۱۱. بروج، ۱۰.

۱۰. حجرات، ۱۱.

۴- کسی که از رابطه با خدا (نماز) جدا شد، به شهوات پیوند می خورد. ﴿اضاعوا الصلوة واتبعوا الشهوات﴾

۵- رونق یافتن شهوات، غی و گمراهی است. ﴿واتبعوا الشهوات... یلقون غیاً﴾

۶- کیفر ضایع کردن نماز، سردرگمی است. ﴿یلقون غیاً﴾ (رشد واقعی در سایه‌ی معنویت است)

۷- سرنوشت ملت‌ها به دست خود آنهاست ﴿اضاعوا... یلقون... الا من تاب...﴾

۸- توبه، یک تحول است نه تظاهر. ﴿تاب و امن و عمل صالحاً﴾

۹- شرط رستگاری و ورود به بهشت، توبه و ایمان و عمل صالح است. ﴿تاب و آمن و عمل صالحاً... یدخلون الجنة﴾

﴿ ۶۱﴾ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًا

بهشت‌های جاویدی که خدای رحمان از غیب به بندگانش وعده داده، مسلماً وعده‌ی او تحقق یافتنی است.

﴿ ۶۲﴾ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًا

در آنجا سخن بیهوده‌ای نمی‌شنوند، (و گفتارشان) جز سلام (نیست) و در آنجا هر صبحگاه و شامگاه، روزی آنان آماده است.

﴿ ۶۳﴾ تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًا

این، همان بهشتی است که به هر یک از بندگان پرهیزکار خود به ارث می‌دهیم.

نکته‌ها:

□ در آیه قبل کلمه‌ی «جنت» به صورت مفرد بکار رفته بود، ﴿یدخلون الجنة﴾، ولی در این آیه کلمه‌ی «جنت» به صورت جمع مطرح شده و این نشان می‌دهد که باغ و بوستان اهل

بهشت مجموعه‌ای از بوستان‌های متعدّد است.

این تعبیر شاید به خاطر آن باشد که هر یک از بهشتیان دارای چهار باغ می‌باشند که در سوره‌ی الرّحمن به آن اشاره شده است: ﴿وَلَمَن خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ... و مِن دُونِهَا جَنَّاتٍ﴾^(۱) یعنی برای هرکس که اهل تقوا باشد، دو باغ است و پس از توصیف دو باغ می‌فرماید: غیر این دو باغ، دو باغ دیگر نیز هست که روی هم می‌شود چهار باغ که این دو باغ یا نزدیک‌ترند و یا سطح پایین‌تری دارند و یا به خاطر اختلاف درجات اهل بهشت، نوع باغها نیز تفاوت دارد.^(۲)

□ قرآن کریم از تحقّق یافتن وعده‌های الهی بارها سخن به میان آورده است، از جمله فرمود: «وَمَن أوفى بعهده من الله»^(۳) کیست که از خداوند با وفاتر باشد؟

□ ستایش بهشت به اینکه در آنجا لغوی نمی‌شنوند، هم توصیه به امروز ماست که از لغو دوری کنیم و هم اشاره به این است که سخنان یاوه کفّار و شنیده‌هایی که مؤمنان را در دنیا رنج می‌داد، در آنجا نیست.

□ در جمله‌ی «ثَوْرَثَ مَن كَانَ تَقِيًّا» هم به تقوا اشاره شده است که کلید بهشت است و هم تعبیر ارث آمده که به معنای رسیدن به مال و نعمت بدون رنج و زحمت است. گرچه تقوا کلید بهشت است، اما آن همه پاداش، ارث خدا به ماست و اعمال ما به این اندازه پاداش ندارد و در حقیقت پاداشهای ما ارثی است که از طرف خداوند بدون رنج به ما می‌رسد.

□ در حدیثی می‌خوانیم: هر انسانی در بهشت و دوزخ جایگاهی دارد؛ اگر اهل بهشت شد، جایگاه دوزخی او به دوزخیان ارث می‌رسد و اگر اهل دوزخ شد، جایگاه بهشتی او به بهشتیان ارث می‌رسد.^(۴)

□ شخصی به امام صادق علیه السلام از درد معده‌اش شکایت کرد. حضرت به او فرمودند: دو نوبت غذا بخور، صبح و غروب، و بین آن دو غذا نخور که موجب فساد بدن می‌شود. آنگاه این آیه را «رَزَقَهُمْ فِيهَا بَكْرَةٌ وَعَشِيًّا» تلاوت کردند.^(۵)

۱. الرحمن، ۴۶ - ۶۲. ۲. تفسیر کشف‌الاسرار. ۳. توبه، ۱۱۱.

۴. نورالثقلین، ج ۲، ص ۳۱. ۵. تفسیر نورالثقلین؛ محاسن برقی.

پیام‌ها:

- ۱- استقرار در باغ‌های بهشت همیشگی است. ﴿جَنَّاتِ عَدْنٍ﴾^(۱)
- ۲- سرچشمه‌ی آن همه الطاف موعود، لطف خداوند رحمان است. ﴿وَعَدِ الرَّحْمَنِ﴾
- ۳- ما امروز حقیقت وعده‌های خداوند را درک نمی‌کنیم. ﴿بِالْغَيْبِ﴾
- ۴- کلام رایج بهشتیان، سلام است. ﴿لَا يَسْمَعُونَ... إِلَّا سَلَامًا﴾ محیط بهشت، محیطی امن و سالم است و بهشتیان، هم از فرشتگان سلام می‌شنوند، ﴿سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ﴾^(۲) و هم از دوستان خود. ﴿سَلَامٌ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ﴾^(۳)
- ۵- در بهشت هم امنیت روحی است، ﴿إِلَّا سَلَامًا﴾ و هم تأمین نیازهای جسمی. ﴿رِزْقَهُمْ بَكَرَةً وَعَشِيًّا﴾
- ۶- در عطا کردن بهشت، برگرداندن و نقضی در کار نیست و این، قوی‌ترین نوع مالکیت است. ﴿ثَوْرٌ﴾^(۴)
- ۷- بهشت، میراث پرهیزکاران است. ﴿ثَوْرٌ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا﴾

﴿٦٤﴾ وَمَا نَنْزَلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ

وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا

ما (فرشتگان) جز به فرمان پروردگار تو نازل نمی‌شویم؛ آنچه پیش روی ما (در آینده) و آنچه پشت سر ما (در گذشته) و آنچه میان این دو قرار دارد از اوست و پروردگار تو فراموشکار نیست.

نکته‌ها:

- در تفسیر میزان می‌خوانیم: این آیه مستقل است، گرچه بعضی تلاش کرده‌اند تا با آیات قبل ارتباطش دهند.

۱. کلمه‌ی «عدن» به معنای اقامت است. ۲. زمر، ۷۳.

۳. واقعه، ۹۱. ۴. تفسیر کشف‌الاسرار.

□ در تفاسیر فخررازی، طبری و تبیان می‌خوانیم: مدتی وحی از پیامبر اکرم ﷺ قطع شد و این، سبب نگرانی پیامبر و طعن‌های مخالفان گردید. آیه نازل شد: پروردگارت فراموشکار نیست. «ماکان ربک نسیاً» نظیر آیه‌ی «ما ودّعک ربک و ما قلی»^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- نزول قرآن، تدریجی و بر اساس فرمان خداست. «و ما ننزل الّا بامر ربک»
- ۲- فرشتگان تسلیم امر خداوند هستند. «و ما ننزل الّا بامر ربک»
- ۳- مالک حقیقی همه چیز اوست. «له»
- ۴- تأخیر وحی به امر خداوند بود، نه اینکه او فراموش کرده باشد.^(۲) «ماکان ربک نسیاً»

﴿ ۶۵ ﴾ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ
هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا

پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو قرار دارد؛ تنها او را پرستش کن و برای عبادتش شکبیا باش، آیا برای او همتا و هم نامی می‌شناسی؟

نکته‌ها:

- برای کلمه‌ی «سمی» چند معنا ذکر شده است: شریک، همانند، همنام و فرزند.
- کلمه «ربک» در آیه قبل و کلمه «ربّ السموات و الارض» در این آیه نشان وحدت مدیریت در اداره زندگی بشر با تمام هستی است.
- عبادت، تنها ذکر خداوند و نماز نیست، زیرا این گونه عبادت‌ها مشکلی ندارد تا به صبر و مقاومت نیازمند باشد. پس مراد از «فاعبده و اصطر» عبادتی است که انسان را دچار تضادها، طاغوت‌ها و مشکلات فراوان می‌کند و بخاطر همین، نیازمند صبر و استقامت است.
- در روایتی از حضرت علی علیه السلام می‌خوانیم که درباره معنای «هل تعلم له سمیاً» فرمودند: هیچ

۱. ضحی، ۳.

۲. تفسیر فی ظلال القرآن؛ تبیان.

کس به نام الله نامیده نشده است.^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- فلسفه‌ی عبادت ما در برابر خداوند، ربوبیت انحصاری او نسبت به همه‌ی هستی است. ﴿رَبِّ السَّمَوَاتِ ... فَاعْبُدْ﴾
- ۲- عبادت، صبر لازم دارد. ﴿فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ﴾ (عبادت، یک نوع مبارزه با هوس‌ها و طاغوت‌هاست که صبر می‌خواهد).
- ۳- خداوند تورا فراموش نکرده است، پس تو نیز او را فراموش نکن. ﴿وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا... فَاعْبُدْهُ﴾
- ۴- خداوند، فرزند ندارد و هیچ موجودی مثل او نیست. ﴿هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا﴾

﴿۶۶﴾ وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ أَإِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا

وانسان می‌گوید: آیا آنگاه که مُردم، دوباره زنده (از قبر) خارج خواهم شد؟

﴿۶۷﴾ أَوَلَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا

آیا انسان (در زنده شدن دوباره‌ی خود شک دارد؟) به یاد نمی‌آورد که

ما او را پیش از این آفریده‌ایم، در حالی که چیزی نبود؟

نکته‌ها:

□ این آیه شبیه آیات ۷۸ و ۷۹ سوره‌ی یس است که شخصی با آوردن استخوانی پوسیده و خرد کردن آن مقابل پیامبر ﷺ، با پیامبر به بحث و گفتگو پرداخت و گفت: کیست که استخوان‌های پوسیده را زنده کند؟ خداوند در پاسخ فرمود: (ای پیامبر!) بگو: همان کسی که اوّل آفرید، پس از مرگ هم زنده می‌کند، و او همه چیز را می‌داند. ﴿وَضَرْبَ لَنَا مِثْلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ . قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ﴾

۱. توحید صدوق، ص ۲۶۳.

□ از امام صادق علیه السلام درباره ﴿خَلْقَنَا مِنْ قَبْلِ وَ لَمْ يَكْ شَيْئاً﴾ سؤال شد، حضرت فرمودند: یعنی نه در مرحله‌ی تقدیر و نه در مرحله تکوین هیچ چیز نبود. راوی حدیث درباره‌ی ﴿لَمْ يَكْ شَيْئاً﴾ پرسید، حضرت فرمودند: یعنی مقدر بود، ولی نامی از آن در میان نبود. ^(۱) بنابراین، این دو آیه از دو مرحله‌ی پیش از آفرینش انسان سخن می‌گویند. در حدیث دیگری نیز امام باقر علیه السلام در مورد ﴿مَنْ قَبْلَ﴾ فرمودند: نه در کتاب و نه در علم سخنی از او نبود. ^(۲)

پیام‌ها:

- ۱- باور نداشتن معاد، راه توجیه گناه و فرار از عبادت است. ﴿فَاعْبُدْهُ وَ أَصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ... يَقُولُ الْإِنْسَانُ...﴾
- ۲- تعجب از معاد وزنده شدن دوباره، مربوط به یک زمان و یک گروه خاص از انسان‌ها نیست. ﴿يَقُولُ الْإِنْسَانُ﴾
- ۳- معاد، جسمانی است. ﴿أُخْرِجْ﴾ یعنی خارج شدن جسم از زمین.
- ۴- معاد، قهری و اجباری است. ﴿أُخْرِجْ﴾ یعنی خروج قهری و بدون اختیار.
- ۵- تردید در معاد با توجه به آفرینش ابتدائی خود، شگفت‌آور است. ﴿أَوْلَا يَذْكُرْ﴾
- ۶- توجه انسان به اینکه اول نبوده و بعداً خلق شده است، برای قبول معاد کافی است. ﴿أَوْلَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانَ...﴾
- ۷- منکران معاد، برای عقیده‌ی خود دلیلی ندارند و تنها قیامت را بعید می‌دانند، ولی قرآن با دلیل سخن می‌گوید. ﴿خَلْقَنَا مِنْ قَبْلِ﴾
- ۸- آفرینش انسان از عدم، بسیار پیچیده‌تر و به ظاهر مشکل‌تر از آفرینش مجدد انسان پس از مرگ است. ﴿خَلْقَنَا... وَ لَمْ يَكْ شَيْئاً﴾

۱. انسان، ۱.

۲. کافی، ج ۱، ص ۱۴۷.

۳. بحار، ج ۵، ص ۸۴.

﴿ ۶۸ ﴾ فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا

پس به پروردگارت سوگند که ما همه آنها را با شیاطین محشور خواهیم کرد، سپس در حالی که به زانو درآمده‌اند، گرداگرد جهنم حاضر خواهیم نمود.

نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «جِثِيًّا» یا جمع «جِثِيَّ» به کسی گفته می‌شود که برای محاکمه بر زانو نشسته است یا از «جَثْوَة» به معنای سنگ و خاک متراکم است. یعنی بدترین نوع نشستن.

پیام‌ها:

- ۱- هشدارهای قیامت را جدی بگیریم. حشر در قیامت قطعی است. ﴿فَوَرَبِّكَ﴾
- ۲- خداوند پیامبرش را در برابر کفّاری که معاد را نمی‌پذیرند، دلجویی می‌دهد. ﴿فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ﴾
- ۳- شیطان در کفرورزی انسان، همدوش اوست. ﴿لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ﴾ (محشور شدن انسان‌ها و شیاطین در قیامت در کنار هم، بر اساس هم‌فکری و هم‌سنخی و همکاری آنان است.)
- ۴- حضور در کنار جهنم، نوعی ترس و شکنجه و وقوع در آن، کیفر دیگری است. ﴿لَنَحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ﴾
- ۵- در قیامت، منحرفین در بدترین وضعیت قرار دارند؛ در کنار شیطان‌ها، گرداگرد جهنم، با حالت دو زانو و ذلیلانه. ﴿لَنَحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا﴾

﴿ ۶۹ ﴾ ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا

سپس از هر گروهی، کسانی را که بر خدای رحمان سرکش‌تر بودند، جدا خواهیم کرد.

﴿۷۰﴾ ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أَوْلَىٰ بِهَا صِلِيًّا

آنگاه ما می‌دانیم چه کسانی از آنها برای سوختن در دوزخ سزاوارترند.

نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «شیعة»، هم به معنای پیروان شخص است و هم گروهی که بر مسلکی اتفاق نمایند. «عتیّا» به معنای تمرد و سرکشی است. «صیلیّا» به معنای روشن کردن آتش، سوزاندن با آتش و ورود در آتش است.

پیام‌ها:

- ۱- گناهکاران در قیامت از هم جدا و طبقه‌بندی می‌شوند. ﴿لَنَنْزَعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ...﴾ (کسانی که در برابر خدای رحمان بیشتر طغیان کنند، حساب و عذاب خاص و شدیدتری خواهند داشت.)
- ۲- خلافکاران سه گروه‌اند: گروهی که شخصاً خلاف می‌کنند، گروهی که وسیله و واسطه‌ی انجام خلاف دیگران می‌شوند. و افرادی که به تخلف دیگران راضی‌اند. بدیهی است که گناه و کیفر هر یک از سه گروه مذکور تفاوت دارد. ﴿أَيُّهُمْ أَشَدُّ...﴾
- ۳- با اینکه خداوند سرچشمه‌ی همه‌ی رحمت‌هاست، ولی انسان در برابر او گردنکش است. ﴿عَلَى الرَّحْمَنِ عَتِيًّا﴾
- ۴- عذاب دوزخ دارای نظامی حساب شده و دقیق است و علم خداوند ضامن آن دقت و تفکیک است. ﴿ثُمَّ لَنَنْزَعَنَّ... أَيُّهُمْ أَشَدُّ... لَنَحْنُ أَعْلَمُ...﴾
- ۵- جهنّم، طبقات و درکات مختلفی دارد و نسبت به شدّت و ضعف گناه، تفاوت خواهد داشت و مراتب استحقاق هر یک بر خدا پوشیده نیست. ﴿لَنَحْنُ أَعْلَمُ﴾

﴿ ۷۱ ﴾ وَإِنْ مِّنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا

و هیچ کس از شما نیست مگر آنکه وارد دوزخ می‌شود، (و این ورود شما) از جانب پروردگارت حکمی قطعی است.

نکته‌ها:

□ در تفسیر طبری آمده است: روزی عبدالله بن رواحه در حال بیماری می‌گریست، همسرش نیز با دیدن او به گریه افتاد. عبدالله پرسید: تو چرا اشک می‌ریزی؟ گفت: به خاطر گریه‌ی تو. عبدالله گفت: ولی من به خاطر این سخن خدای متعال می‌گریم که فرمود: «ان منکم الا واردها» و ورود ما به دوزخ قطعی است، اما من نمی‌دانم از آن نجات می‌یابم یا خیر؟

□ این آیه باید در کنار آیات و روایاتی که مربوط به صراط است معنا شود، چون صراط پلی است که بر روی دوزخ کشیده شده است و همه‌ی مردم از روی آن عبور می‌کنند، بعضی تند و بعضی کند و بعضی به دوزخ می‌افتند.

□ رسول خدا ﷺ فرمود: روز قیامت، همه‌ی انسان‌ها (چه خوب و چه بد) وارد جهنم می‌شوند، ولی آتش به مؤمنان زبانی نمی‌رساند، همچون حضرت ابراهیم که آتش بر او سرد شد. بنابراین آیه‌ی مورد بحث که ورود همگان را به دوزخ حتمی می‌داند، با آیاتی که می‌گوید: مؤمنان از دوزخ دورند^(۱) منافاتی ندارد. زیرا از سویی وارد دوزخ می‌شوند، و از سوی دیگر با لطف خداوند آسیبی نمی‌بینند.

البته ممکن است بگوییم که ورود به معنای عبور است، نه داخل شدن. چنانکه در مورد حضرت موسی عليه السلام آمده است «ورد ماء مَدین» یعنی به کنار آب شهر مَدین وارد شد، نه آنکه داخل آب شد.^(۲) یا آنکه بگوییم: مراد از کلمه‌ی «منکم» در آیه‌ی مورد بحث،

۱. «اولئك عنها مبعدون» مؤمنان از آتش دوزخ دور نگاهداشته می‌شوند. انبیاء، ۱۰۱.
- «و هم من فرع یومئذ آمنون» نیکوکاران از وحشت قیامت در امانند. نمل، ۸۹.
- «لا یسمعون حسیسها» مؤمنان صالح، صدای آتش دوزخ را نمی‌شنوند. انبیاء، ۱۰۲.
۲. امام صادق عليه السلام فرمودند: آیا نشیننده‌ای شخصی که می‌گوید: بر آب فلان طایفه وارد شدم، مرادش رسیدن به آب است، نه دخول در آب. تفسیر نورالثقلین.

گروه‌هایی هستند که در آیات قبل ذکر شده‌اند، یعنی طرفداران شیطان. و مراد از نجات متّین، نجات کسانی است که از کفر و شرک نجات یافته‌اند. یعنی همه‌ی هواداران شیطان وارد دوزخ می‌شوند، اما کفّار و مشرکان در آنجا باقی می‌مانند و لکن گناهکارانی که به شرک و کفر آلوده نبوده‌اند، ولی فاسق بوده‌اند سرانجام آزاد می‌شوند.

پیام‌ها:

- ۱- قیامت و مراحل آن، حساب شده و دقیق است. ﴿لنحشرنهم... لنزعن... إن منكم إلاّ واردها﴾
- ۲- خدا دارای سنّت‌ها و برنامه‌های قطعی و حتمی است. ﴿كان على ربك حتماً مقضياً﴾

﴿۷۲﴾ تَمَّ نَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا

سپس اهل تقوا را (از دوزخ) نجات می‌دهیم و ستمکاران را (در حالی که از ضعف و ذلت) به زانو درآمده (اند) در آن رها می‌کنیم.

نکته‌ها:

□ از پیامبر اکرم ﷺ روایت شده است که فرمودند: همه‌ی مردم وارد آتش می‌شوند، آنگاه به میزان اعمالشان از آن خارج می‌گردند؛ گروهی مثل برق، گروهی مثل باد، گروهی مانند اسب، گروهی مانند دویدن مرد و گروهی مثل راه رفتن عادی از آتش خارج می‌شوند.^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- دوزخ گذرگاه تقوای پیشگان و اقامتگاه ستمکاران است. ﴿إن منكم إلاّ واردها... ثمّ ننجي الذين اتقوا و نذر الظالمين فيها﴾
- ۲- تقوا، یگانه راه نجات از دوزخ است. ﴿ثم ننجي الذين اتقوا﴾
- ۳- انسان بی تقوا ظالم است. ﴿و نذر الظالمين﴾

۱. تفسیر نورالثقلین.

۴- ستمگران مستحقّ تحقیر می‌باشند. ﴿نذر الظالمین﴾ (این جمله در موردی بکار می‌رود که چیزی را از روی حقارت و پستی رهائش کنند)

﴿۷۳﴾ وَإِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَئِذَا آمَنُوا
أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَّقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا

وهرگاه آیات روشن ما بر آنان خوانده شود، کسانی که کفر ورزیده‌اند به آنان که ایمان آورده‌اند می‌گویند: کدام یک از ما دو گروه، جایگاهش بهتر و محفلش آراسته‌تر است.

نکته‌ها:

□ «نَدِيٌّ»، به هر مجلس یا به مجلس مشاوره گویند. «دار الندوة» یعنی مجلس شورا. ﴿و تأتون فی نادیکم المنکر﴾^(۱) یعنی شما در مجالس خود گناه می‌کنید. ﴿فلیدع نادیه﴾^(۲) یعنی مشاورین خود را فراخواند.

□ کفار، در قالب تمسخر مؤمنان، یا به صورت سؤال می‌گفتند: آیا ثروتمندانی مثل نضر بن حارث و ولید بن مغیره ارزش و جایگاه دارند، یافقیانی مانند بلال و عمار؟ و با این دید متکبران خود را از مسلمانان جدا کرده و ایمان نمی‌آوردند.

آری، بعضی افراد می‌کوشند تا کمبودهای معنوی خود را با جلوه‌های مادی جبران کنند. چنانکه در بعضی روایات آمده است: اشراف کافر، لباس‌های زیبا و فاخر می‌پوشیدند و در مقابل پیامبر و یارانش راه می‌رفتند و به آنان با دیده‌ی تحقیر می‌نگریستند.^(۳)

خاکساران جهان را به حقارت منگر کوزه بی‌دسته چو بینی، به دو دستش بردار

پیام‌ها:

۱- حساب عقیده و منطق صحیح، از رفاه دنیوی جداست. ﴿ای الفریقین خیر﴾ کفار می‌گفتند: اگر راه ما باطل است، چرا وضع دنیایی ما از شما بهتر است؟

۳. تفسیر کبیر فخر رازی.

۲. علق، ۱۷.

۱. عنکبوت، ۲۹.

- ۲- پول و ثروت، نشانه‌ی حقانیت و شخصیت نیست. ﴿ایّ الفریقین خیرٌ مقاما﴾
 ۳- فخر و مباهات، زمینه‌ساز کفر است. ﴿قال الذّین کفروا... ایّ الفریقین خیرٌ﴾

﴿۷۴﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّن قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثَاثًا وَرِئِيًّا

و چه بسیار نسل‌ها را پیش از آنان نابود کردیم که مال و ثروتشان بهتر بود و منظری آراسته‌تر داشتند.

نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «اثاث» به معنای امکانات زندگی و رفاهی است. «رئیا» منظره‌های دیدنی را گویند. «قرن» به مردمی گفته می‌شود که در یک زمان با هم زندگی می‌کنند.

پیام‌ها:

- ۱- تاریخ سقوط طاغوتیان و کافران، از منابع شناخت انسان و عبرت آموز است. ﴿و کم اهلکنا قبلهم﴾ (تاریخ، یک مجموعه‌ی به هم پیوسته است که می‌توان از گذشته‌ی آن برای آینده عبرت گرفت)
- ۲- تعداد کفار و طاغوتیانی که نابود شده‌اند کم نیستند. ﴿و کم اهلکنا﴾
- ۳- تحولات تاریخی، طبق سنت‌هایی است که خدا مقرر کرده است. ﴿کم اهلکنا﴾
- ۴- امکانات رفاهی و مادیات، نه نشانه‌ی سعادت است و نه از قهر خداوند جلوگیری می‌کند. ﴿اهلکنا... هم احسن اثاثاً﴾
- ۵- رفاه و امکانات، عامل غرور، غفلت، طغیان و سرانجام هلاکت است. ﴿کم اهلکنا... احسن اثاثاً و رِئیا﴾

﴿ ۷۵ ﴾ قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا

بگو: هر که در گمراهی است، خداوند رحمان (طبق سنت خود) مدتی به او مهلت و مدد می‌دهد، تا زمانی که آنچه را وعده داده می‌شوند ببینند، یا عذاب (این دنیا) یا (عذاب) قیامت را. پس (در آن روز) خواهند دانست چه کسی جایگاهش بدتر و لشکرش ناتوان‌تر است.

نکته‌ها:

□ «مَدٌّ» و «امداد» به یک معناست، لکن به گفته‌ی راغب، معمولاً «امداد» در مورد کار پسندیده و محبوب و «مَدٌّ» در مورد کار ناپسند و مکروه استفاده می‌شود.

□ خداوند متعال به همه‌ی کسانی که راه شری را انتخاب کنند، مهلت می‌دهد. این مهلت برای این است که شاید توبه کنند، یا فرزندان صالحی از نسل آنان به وجود آید. گرچه برخی گمراهان از مهلت الهی سوء استفاده کرده، گناهان بیشتری مرتکب می‌شوند و عذاب خود را بیشتر می‌کنند.^(۱)

لطف حق با تو مداراها کند چون که از حد بگذرد رسوا کند

□ امام صادق علیه السلام درباره «اذا رأوا ما یوعدون» فرمودند: آن وعده‌ی ظهور حضرت قائم علیه السلام است و «شرّ مکاناً» یعنی روز قیام قائم معلوم خواهد شد که چه کسی در موقعیت ناپسند و ضعیف قرار دارد.^(۲)

پیام‌ها:

۱- سنت خداوند بر این است که زمینه‌ی حرکت و رشد را برای همه‌ی انسان‌ها فراهم کند، و این انسان است که اگر گمراهی را برگزید. خداوند مدتی به او

۱. تفسیر اطیب البیان. ۲. کافی، ج ۱، ص ۴۳۱.

- مهلت می دهد، «مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ» و اگر راه هدایت را در پیش گرفت خداوند بر هدایتش می افزاید. «وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى»
- ۲- مهلت و امداد، برخاسته از رحمت الهی است. «فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ»
- ۳- کفّار بارها به خطر و عذاب تهدید می شدند، ولی آنان متذکّر نمی شدند. «مايوعدون»
- ۴- خدا بعضی گمراهان را در دنیا عذاب می کند و حساب قیامتش همچنان باقی می ماند، ولی بعضی را تنها در قیامت کیفر می دهد. «إِنَّمَا الْعَذَابُ وَإِنَّمَا السَّاعَةُ»
- ۵- در لحظه‌ی مرگ، مقام و موقعیت، بستگان و نفرات به کار نمی آیند. «شَرُّ مَكَانًا و اضعف جنداً»
- ۶- قیامت روز ظهور حقایق و کشف و شهود است. «حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا... فَيَسْئَلُونَ...»

﴿۷۶﴾ وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَّرَدًّا

کسانی که هدایت یافته‌اند، خداوند بر هدایتشان می‌افزاید و نیکی‌های ماندگار، ثوابش نزد پروردگارت بهتر و خوش فرجام‌تر است.

نکته‌ها:

- کلمه «مَرَدًّا» به معنای عاقبت و منفعت است. و کلمه‌ی «ثواب» به معنای جزای عمل است که به انسان بر می‌گردد، چه خیر باشد و چه شر؛ لکن بیشتر در خیر استعمال می‌شود.^(۱)
- در آیه‌ی قبل خواندیم که گمراهان، در گمراهی بیشتری قرار می‌گیرند. این آیه می‌فرماید: هدایت یافتگان نیز در هدایت و نورانیت بیشتری قرار می‌گیرند.
- در بعضی روایات می‌خوانیم: مراد از «الباقيات الصالحات» ذکر «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله والله اكبر» است.^(۲)

۱. تفسیر المیزان.

۲. تفسیر نورالثقلین.

پیام‌ها:

- ۱- هدایت، مراحل و درجاتی دارد. ﴿و یزیدالله...﴾
- ۲- اعمال صالح نزد خداوند محفوظ می‌ماند. ﴿والباقیات الصّالحات خیر عند ربّک﴾
- ۳- توفیق انجام کارهای شایسته، در پرتو هدایت الهی است. ﴿اهتدوا هُدی و الباقیات الصّالحات﴾
- ۴- خداوند به پیامبرش عنایت مخصوص دارد. ﴿عند ربّک﴾
- ۵- کیفر و پاداش از شئون ربوبیت الهی است. ﴿عند ربّک ثواباً﴾
- ۶- کار نیک، رمز خوش عاقبتی است. ﴿الباقیات الصّالحات... خیر مردّاً﴾

﴿۷۷﴾ أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتِيَنَّ مَالًا وَوَلَدًا

پس آیا دیدی کسی را که به آیات ما کفر ورزید و گفت: قطعاً به من مال و فرزند (بسیار) داده خواهد شد!

﴿۷۸﴾ أَطَّلَعَ الْغَيْبَ أَمْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا

آیا (این خوش خیالی به خاطر آن است که) از غیب آگاه است، یا از خدای رحمان تعهدی گرفته است؟

﴿۷۹﴾ كَلَّا سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا

هرگز (چنین نیست)، به زودی هر چه می‌گوید می‌نویسیم و برای همیشه عذابش می‌کنیم.

﴿۸۰﴾ وَنَرِثُهُ مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا

و هر چه (از مال و فرزند) دم می‌زند ما وارث خواهیم شد و او بی کس و تنها نزد ما خواهد آمد.

نکته‌ها:

□ امام باقر علیه السلام درباره‌ی شأن نزول ﴿أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ﴾ فرمودند: عاص بن وائل به خَبَاب بدهکار بود، خَبَاب برای دریافت طلب خود نزد او آمد، ولی عاص گفت: آیا شما معتقد نیستید که در بهشت طلا و نقره و حریر هست؟ خَبَاب گفت: آری؛ عاص گفت: پس وعده‌ی ما در بهشت و قسم می‌خورم که در بهشت بهتر از آنچه شما دادید به شما داده شود.^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- رها کردن خدا و پناه بردن به مال و فرزند، شگفت‌آور است. ﴿أَفَرَأَيْتَ﴾
- ۲- کافر، دین را مانع پیشرفت، و کفر را عامل رشد می‌داند. ﴿كَفَرَ بآيَاتِنَا وَقَالَ لَاؤْتِينِ﴾
- ۳- ملاک ارزش نزد کفار، مال و فرزند است. ﴿لَاؤْتِينِ مَالًا وَّوَلَدًا﴾ (کافر در برابر منطقی و تهدید، تنها به آنچه در دست دارد دلخوش است).
- ۴- مرفه‌ان کج فکر را تحقیر کنید تا در جامعه‌الگو نشوند. ﴿أَفَرَأَيْتَ... اَطَّلَعَ الْغَيْبِ... نَمَدَّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ﴾
- ۵ - خداوند با هیچ کس قرار دادی امضا نکرده است. ﴿إِن تَتَّخِذِ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا﴾
- ۶- گرچه عهد خداوند تخلف ندارد، ولی کفار با خداوند عهدی نبسته‌اند. ﴿إِن تَتَّخِذِ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا﴾
- ۷- پندارهای باطل را با صراحت سرکوب کنید. ﴿كَلَّا﴾
- ۸- رفتار و گفتار آدمی در دیوان الهی ثبت می‌گردد. ﴿سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ﴾
- ۹- برای هر گفتار و عملی تا مدتی مهلت است، شاید پشیمان شده و توبه کند، ولی اگر آن مدت سرآمد و پشیمان نشد، ثبت می‌شود. حرف «سین» در ﴿سَنَكْتُبُ﴾ نشانه‌ی مهلت است.^(۲)

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۵۳.

۲. در روایات نیز می‌خوانیم: همین که عمل بدی از انسان سر می‌زند، تا مدتی فرشتگان مأمور به ثبت نیستند، شاید پشیمان شود، ولی پس از پایان مدّت، ثبت می‌شود.

۱۰- سخن باید به علم و دلیل تکیه داشته باشد، چرا که انسان مسئول گفته‌های خود است. ﴿سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا﴾

۱۱- در قیامت، انسان مال و فرزندی را که عامل کفر و غرور او گردیدند، رها می‌کند و در پیشگاه خداوند، به تنهایی حاضر می‌شود. ﴿يَأْتِينَا فَرْدًا﴾

﴿۸۱﴾ وَأَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا

به جای خدای یگانه خدایانی (دروغین) برگزیدند تا برای ایشان سبب عزت باشد.

﴿۸۲﴾ كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا

هرگز (به این آرزو نمی‌رسند، بلکه) به زودی (معبودها) پرستش آنان را منکر خواهند شد و در برابر آنان (به جای عزت بخشی) به مخالفت بر می‌خیزند.

نکته‌ها:

- به گفته‌ی علامه طباطبایی، جمله‌ی ﴿كَلَّا سَيَكْفُرُونَ﴾ دو گونه تفسیر دارد: الف: مشرکان به عبادت خویش کفر خواهند ورزید و مخالف بت‌ها خواهند شد. ب: طاغوت‌ها و بت‌ها، بجای شفاعت و عزت و یاری عبادت‌کنندگان خود، علیه آنان قیام خواهند کرد. در قرآن آیات دیگری نیز به این معنا دلالت دارد.^(۱)
- «عَزِيزٌ» یعنی پیروز و نفوذناپذیری که نمی‌توان به او ضرر و شری رساند.
- امام صادق علیه السلام فرمود: مقصود از «آلِهَةٌ» رؤسای هستند که مردم با اطاعت از آنان، در جستجوی عزتند.^(۲) البته ضدیت معبودهایی مانند طاغوت‌ها و شیطان‌ها با پیروان خود روشن است، اما معبودهایی مانند سنگ و چوب و غیره ممکن است به اراده‌ی خداوند در

۱. ﴿يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ﴾ معبودها شرک‌ورزی شما را انکار خواهند کرد. فاطر، ۱۴.
 ﴿وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ﴾ هنگامی که مردم در قیامت محشور شوند، معبودها دشمن بت‌پرستان شده و عبادات آنان را انکار خواهند کرد. احقاف، ۶.
 ۲. تفسیر صافی.

روز قیامت به زبان در آیند و از مشرکان و پرستش کنندگان خود، بیزاری جویند.^(۱)

□ امام صادق علیه السلام در ذیل آیه فرمودند: مراد از عبادت در آیه، سجده و رکوع نیست، بلکه فرمانبرداری و اطاعت است و فرمود: «مَنْ اطاع مخلوقاً فی معصية الخالق فقد عبده» هرکس با اطاعت از مخلوقی مرتکب گناه شود، آن اطاعت به منزله‌ی پرستش است.^(۲)

پیام‌ها:

- ۱- عزت خواهی در فطرت انسان هست، ولی او در مصداق اشتباه می‌کند و سراغ منبع حقیقی عزت نمی‌رود. ﴿اتخذوا من دون الله...﴾
- ۲- قیامت نزدیک است، آن را باور کنیم. ﴿سیکفرون﴾
- ۳- همان کسانی که انسان بجای خدا به آنان دل بسته، بر ضد او قیام خواهند کرد. ﴿ویکونون علیهم ضداً﴾ (تکیه بر غیر خدا، سبب دشمنی آنان در قیامت است)

﴿۸۳﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَوَضُّعُهُمْ أَزًّا

آیا ندیدی که ما شیطان‌ها را به سوی کافران فرستادیم تا آنان را شدیداً تحریک کنند؟

﴿۸۴﴾ فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَذَابًا

پس بر (عذاب) آنان عجله مکن، ما حساب آنها (وروز وساعت و اعمال و حتی نفس زدن آنان) را شماره کنیم (تا موعدشان فرا رسد).

نکته‌ها:

- کلمه‌ی «أَزًّا» به معنای تحریک کردن شدید و از جا کردن است. «أَزُّ الْقَدْرِ» یعنی دیگ چنان به جوش آمد که هر چه در آن بود زیر و رو شد.
- رابطه‌ی شیطان با اهل ایمان، ساده و دنبالش هشیاری و توبه است. ﴿وسوس الیه﴾^(۳)

۱. تفسیر نمونه.

۲. تفسیر نورالثقلین.

۳. طه، ۱۲۰.

ولی رابطه‌ی شیطان با کفار، رابطه‌ای سلطه‌گرانه است. ﴿ارسلنا الشیاطین علی الکافرین﴾ نه «الی الکافرین». البتّه این سلطه‌ای است که کافر، خود زمینه‌ی آن را فراهم کرده است. ﴿انّما سلطانه علی الذین یتولّونه﴾^(۱)

□ ممکن است مراد از فرستادن شیطان‌ها از سوی خدا، رها کردن آنها باشد؛ مثلاً کسی که سگ خود را ببندد و مانعش نشود می‌گویند سگ خود را فرستاد.

□ در تفسیر قمی آمده است: آیه‌ی ﴿ارسلنا الشیاطین﴾ درباره‌ی کسانی نازل شده که خمس و زکات خود را نمی‌پردازند، خداوند بر اینان سلطان یا شیطانی را می‌فرستد تا آن مقدار از مالی که از بابت خمس و زکات پرداخت نکرده‌اند، در غیر راه خداوند مصرف نمایند.

□ امام صادق علیه السلام فرمود: روزهای عمر انسان را پدر و مادر او نیز می‌توانند بشمارند؛ پس مراد از ﴿نعدّهم عدّا﴾ این است که ما شماره نفس‌های آنان را نیز می‌دانیم.^(۲)

پیام‌ها:

۱- کسانی که کفر را انتخاب کردند و ولایت شیطان را پذیرفتند، خداوند شیطان‌ها را برای تشویق و تحریک آنان به فساد به سراغشان می‌فرستد. (یکی از کیفی‌های کافران، سلطه‌ی شیطان بر آنهاست) ﴿انّا ارسلنا الشیاطین علی الکافرین﴾

۲- شیطان انسان را تحریک می‌کند، ولی اجبار نمی‌کند. ﴿توّزّهم أژّا﴾

۳- تحریک شیطان بسیار قوی است. ﴿توّزّهم أژّا﴾

۴- هیچ چیز حتّی و سوسه‌های شیطان، از اراده خداوند خارج نیست. ﴿انّا ارسلنا... توّزّهم أژّا﴾

۵- کفر، مایه‌ی تحریک پذیری از شیطان است. ﴿علی الکافرین توّزّهم﴾

۶- علم انبیا به مصالح و حوادث محدود است. ﴿فلا تعجل علیهم﴾

۷- لجاجت در کفر و دشمنی، پیامبری را که خلق عظیم و سعه‌صدر داشت، به

۲. تفسیر صافی.

۱. نحل، ۱۰۰.

درخواست عذاب برای آنان وادار کرد. ﴿فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ﴾
 ۸- سنّت خداوند بر مهلت دادن به مردم است. ﴿نَعِدْهُمْ عِدًّا﴾ برنامه‌های الهی
 منظم و زمان‌بندی شده است، پس در مرگ و هلاکت کافران عجله نکنیم.
 ﴿فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ﴾

۹- اوامر و نواهی و دستورات خود را مستدل بیان کنید. ﴿فَلَا تَعْجَلْ... إِنَّمَا نَعِدُّهُمْ﴾

﴿۸۵﴾ يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا

(یاد کن) روزی که ما پرهیزکاران را دسته‌جمعی به سوی (ضیافت) خدای
 رحمان گرد آوریم.

﴿۸۶﴾ وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَرِدًّا

و مجرمان را (پیاپیاده و) تشنه به سوی جهنّم می‌رانیم.

نکته‌ها:

□ «وَفْدًا» به گروهی تازه وارد می‌گویند که برای زیارت یا طلب حاجت سواره می‌آیند. کلمه‌ی
 «وَرِدًا» به معنای عطش است.

پیام‌ها:

- ۱- صحنه‌های قیامت یاد کردنی است، قیامت روز ظهور تفاوت متّقین و مجرّمین
 است. ﴿و یوم...﴾
- ۲- نحوه‌ی حضور بهشتیان و ورود دوزخیان بسیار مهم است. ﴿وَفْدًا... وَرِدًّا﴾
- ۳- پرهیزکاران مهمان خدایند، ﴿وَفْدًا﴾ ولی مجرمان به ذلّت روانه می‌شوند.
 ﴿نَسُوقُ﴾ متّقین با تشریفات ویژه و با استقبال ملائکه وارد بهشت می‌شوند.^(۱)
- ۴- مهم‌تر از بهشت، رحمت الهی است که بهشت یکی از جلوه‌های آن است. «الی

۱. شرح مفصّل این مراسم، در روایتی از رسول خدا ﷺ بیان شده است. کافی، ج ۸، ص ۹۵.

الرَّحْمَنُ» بجای «الی الجنّة» آمده است.

۵- کلید بهشت تقوای الهی است. ﴿نَحْشِرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ﴾

﴿۸۷﴾ لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا

آنان مالک شفاعت نیستند، مگر کسی که با خدای رحمان پیمانی بسته باشد.

نکته‌ها:

□ قرآن، برای شفاعت شرایطی قائل است و چنین نیست که هر کس هر چه را خواست شفیع خود قرار دهد. در قیامت، کفار به هر دری می‌زنند و از هر کسی پناه می‌خواهند، ولی جواب منفی می‌شنوند.

□ ممکن است مراد از «عَهْد»، همان عهد بندگی خدا و دوری از شیطان باشد که قرآن می‌فرماید: ﴿أَلَمْ أَعْهَدَ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ وَأَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾^(۱) ای انسان‌ها! آیا از شما پیمان نگرفتم که از شیطان اطاعت نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است و اینکه تنها مرا پرستش کنید که این صراط مستقیم است. و در جای دیگری می‌خوانیم: ﴿لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا﴾^(۲) در آن روز، شفاعت هیچ کس سودی نمی‌بخشد جز کسی که خداوند به او اجازه داده و به گفتار او راضی است.

□ در روایات، «عهد» به چند چیز تفسیر شده است از جمله:

الف: تعهد به ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب عليه السلام و امامان پس از او.^(۳)

ب: وصیت هنگام مرگ که انسان مردم را گرد خود جمع کند و بگوید: من متعهدم به «لا اله الا الله، محمد رسول الله»، و حقانیت بهشت و دوزخ.^(۴)

ج: تعهد و مواظبت بر نمازهای شبانه‌روزی.^(۵)

۳. تفسیر المیزان.

۲. طه، ۱۰۹.

۱. یس، ۶۰ - ۶۱.

۵. تفسیر المیزان.

۴. تفسیر مجمع‌البیان.

پیام‌ها:

- ۱- شفاعت، دارای نظامی قانون‌مند و تحت نظارت خداوند است. ﴿لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ...﴾
- ۲- کسی خودسرانه و از پیش خود قدرت و حقّ شفاعت ندارد. ﴿لَا يَمْلِكُونَ﴾
- ۳- شفاعت، جلوه‌ای از رحمت گسترده‌ی الهی است. ﴿عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا﴾
- ۴- افراد خاص و متعهد از طرف خداوند حقّ شفاعت دارند. ﴿إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا﴾

﴿۸۸﴾ وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا

و (کفار) گفتند: خدای رحمان (برای خود) فرزندی انتخاب کرده است.

﴿۸۹﴾ لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا

راستی، مطلب زشتی گفتید.

نکته‌ها:

- کلمه‌ی «إدّ» به معنای منکر بزرگ و بسیار زشت است.
- این آیه شامل گروه‌های زیادی می‌شود، از جمله:
 - الف: مشرکان، که ملائکه را دختران خدا می‌دانستند. ﴿وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنَاثًا﴾^(۱)
 - ب: یهود، که عزیر را فرزند خدا می‌پنداشتند. ﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرُ ابْنِ اللَّهِ﴾^(۲)
 - ج: نصاری، که مسیح را فرزند خدا می‌شمردند. ﴿قَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ﴾^(۳)

پیام‌ها:

- ۱- اعتقاد به فرزند داشتن خدا، سخنی بی‌پایه و بسیار زشت است. ﴿وَلَدًا... شَيْئًا إِدًّا﴾
- ۲- فرزند داشتن خدا نشانه‌ی کمال نیست، بلکه مایه‌ی نقص است. ﴿شَيْئًا إِدًّا﴾

۱. اسراء، ۴۰.

۲. توبه، ۳۰.

۳. توبه، ۳۰.

﴿ ۹۰ ﴾ تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًا

نزدیک است از این سخن، آسمان‌ها متلاشی و زمین شکافته شود و کوه‌ها به شدت فرو ریزد.

﴿ ۹۱ ﴾ أَنْ دَعَا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا ﴿ ۹۲ ﴾ وَمَا يَنْبَغِي لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا

زیرا برای خدای رحمان، فرزندی قائل شدند. در حالی که برای خدای رحمان، سزاوار نیست که فرزند بگیرد.

﴿ ۹۳ ﴾ إِنْ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتَى الرَّحْمَنِ عَبْدًا

موجودی در آسمان‌ها و زمین نیست مگر آن که بنده‌وار نزد خداوند رحمان می‌آید.

نکته‌ها:

□ «هَدًا» به معنای سقوط است.

□ مسأله‌ی واکنش طبیعت در برابر حقایق، بارها در قرآن مطرح شده است از جمله:

یک جا می‌فرماید: بعضی از سنگ‌ها از خشیت خداوند، از کوه فرو می‌ریزند. ﴿وَإِنْ مِنْهَا لَمَا يَهِيْطُ مِنْ خَشِيَةِ اللَّهِ﴾^(۱)

یا اینکه می‌فرماید: اگر قرآن بر کوه‌ها نازل می‌شد، هر آینه از ترس خداوند قطعه قطعه می‌شدند. ﴿لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشِيَةِ اللَّهِ﴾^(۲)

پیام‌ها:

۱- گناه می‌تواند مایه‌ی برهم ریختن نظام هستی گردد. ﴿تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ﴾

۲- خداوند، هستی را برای انسان آفرید و اگر انسان منحرف شود، سقوط هستی

بی‌جا نیست. ﴿تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ﴾

- ۳- بالاترین فساد در جهان هستی، عقیده‌ی فاسد است. ﴿دَعُوا لِلرَّحْمَنِ وَلِدا﴾
 ۴- فرزند داشتن خداوند، به این معناست که او محتاج بقای نسل است، کمک و یاور می‌خواهد و از تنهایی رنج می‌برد، در حالی که او از همه‌ی اینها منزّه است. ﴿مَا يَنْبَغِي لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلِدا﴾
 ۵- تمام هستی تحت سلطه‌ی خداست و به سوی او باز می‌گردد. ﴿آتَى الرَّحْمَنُ عِبِدا﴾
 ۶- هستی و موجودات آن همگی تحت فرمان خدا و بنده‌ی او هستند، چرا بنده‌ی او را فرزند او می‌خوانید. ﴿وَمَا يَنْبَغِي... إِنْ كَلَّ... عَبِدا﴾

﴿۹۴﴾ لَقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا

قطعاً خداوند همه‌ی آنان را حساب کرده، با دقت شمرده است.

﴿۹۵﴾ وَكُلُّهُمْ آتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا

و همگی روز قیامت تنها (و تهی دست) نزد او خواهند آمد.

پیام‌ها:

- ۱- آمار دقیق همه‌ی اجزای هستی بدست اوست. ﴿لَقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا﴾ علم خداوند، تنها به کلیات احاطه ندارد، بلکه جزئیات را هم می‌داند. هشدار که هر ذره حساب است در اینجا دیوان حساب است و کتاب است در اینجا^(۱)
- ۲- موجودات هستی محدودند. ﴿عَدَّهُمْ عَدًّا﴾
- ۳- قیامت برای همه است. ﴿كُلُّهُمْ﴾
- ۴- با اینکه حشر برای همه است، ولی هر کس به فکر خویش است و گویا انسان، تنهای تنهاست. ﴿فَرْدًا﴾، ﴿لَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادِي كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ﴾^(۲)

۱. فیض کاشانی.

۲. انعام، ۹۴.

۵- روز قیامت تمام وابستگی‌های فAMILI، اقتصادی و اجتماعی، حزبی و غیره گسسته می‌شود. ﴿فَرْدًا﴾

۶- در قیامت، مال و فرزند و دوست و... برای کافران سودی ندارد. ﴿فَرْدًا﴾

﴿۹۶﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا

همانا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند به زودی خدای رحمان برای آنان محبتی (در دلها) قرار می‌دهد.

نکته‌ها:

□ بارها دیده‌ایم که هرگاه انسان‌های با ایمان و صالح از دنیا می‌روند، حتی افراد لاابالی و فاسق هم در غم فرو می‌روند و ناخودآگاه به عزا می‌نشینند و اشک می‌ریزند و یادش را گرمی داشته، قبرش را زیارت می‌کنند و یا خاطراتش برای دیگران بازگو می‌کنند. همه اینها به خاطر فطرت پاک و کمال دوستی انسان است.

آری، کسی که تنها به خدا دل ببندد، خداوند هم دل‌های مردم را به او متوجه می‌کند. کسی که به یاد خدا باشد، خداوند او را یاد می‌کند. ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ﴾^(۱)

□ از امام صادق علیه السلام روایت شده است: ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام پاداشی است که خدا به مؤمنان دارای عمل صالح می‌دهد.^(۲) و نظیر این روایت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد مهر و محبت اهل ایمان به علی علیه السلام آمده است.^(۳)

پیام‌ها:

- ۱- ایمان بدون عمل و عمل بدون ایمان، کارساز نیست. ﴿آمَنُوا وَعَمِلُوا...﴾
- ۲- ایمان و کار شایسته، کلید محبوبیت نزد مردم است. ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ... وُدًّا﴾ هرگاه دیدیم محبوبیت ما کم شده، عقیده یا عملکرد خود تجزیه و تحلیل کنیم. زیرا که وعده‌ی خداوند تخلف ندارد.

۳. تفسیر فرات، ص ۲۴۷.

۲. کافی، ج ۱، ص ۴۳۱.

۱. بقره، ۱۵۲.

۳- محبوب شدن به دست خداست. ﴿سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ﴾ دلها نیز به دست اوست.

۴- محبوب شدن، رحمتی الهی است که نصیب مؤمنان و صالحان می‌شود.

﴿سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ﴾

۵- ممکن است امروز به کار شایسته‌ی شما ارج نهند، ولی صبر و تلاش مداوم

شما، در آینده به ثمر خواهد نشست. ﴿سَيَجْعَلُ...﴾

۶- محبوبیت، از الطاف و پاداش‌های الهی در دنیاست. ﴿سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾

(مؤمنان و صالحان علاوه بر پاداش آخرت، در همین دنیا نیز پاداش می‌گیرند)

﴿۹۷﴾ فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَنُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا

پس همانا قرآن را بر زبان تو آسان ساختیم تا پرهیزکاران را به وسیله‌ی

آن بشارت دهی و مردم ستیزه‌جو را بدان هشدار دهی.

نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «لُدًّا» به معنای دشمنی شدید است.

پیام‌ها:

۱- آسان‌گویی، شیوه‌ای قرآنی برای ارشاد است. ﴿يَسَّرْنَا﴾ البتّه آسان‌گویی غیر از

سست‌گویی است، سخن باید محکم ولی روان باشد. ﴿أُحْكِمْتَ آيَاتِهِ﴾^(۱)

۲- بیان روان، از الطاف الهی است. ﴿يَسَّرْنَا بِلِسَانِكَ﴾

۳- با هر گروهی به نحوی خاص باید سخن گفت. ﴿لَتُبَشِّرَنَّ... وَتُنذِرَنَّ﴾ (با متّقین به

زبان بشارت و با دشمنان به صورت انذار.)

﴿ ۹۸ ﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنْ قَرْنٍ هَلْ تُحِسُّ مِنْهُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا

وچه بسیار نسل‌هایی که پیش از آنان هلاک کردیم. آیا کسی از آنها را می‌یابی یا کمترین صدایی از ایشان می‌شنوی؟

نکته‌ها:

□ این آیهی شریفه، مایه‌ی تسکین و دل‌داری پیامبر اکرم ﷺ است و تلویحاً به او نوید می‌دهد که دشمنان لجوج تو به زودی نابود خواهند شد؛ چنان که بسیاری از حق‌ستیزان در گذشته به هلاکت رسیدند.

□ کلمه‌ی «رِکْز» به معنای صدای آهسته و مخفی است.

□ امام صادق علیه السلام در پاسخ جابر درباره آیه فرمودند: قوم هلاکت یافته بنی‌امیه هستند، هیچ یک از آنان را به حالی که امیدی داشته باشد و یا در ترس و وحشت نباشد نبینی. جابر می‌گوید: عرض کردم آیا این شدنی است؟ فرمودند: بسیار زود اتفاق خواهد افتاد.^(۱)

پیام‌ها:

۱- هلاکت اقوام لجوج، نشانه جدی بودن هشدارهای قرآن است. «و تُنذِرُ بِهِ قَوْمًا لُدًّا وَ كَمْ أَهْلَكْنَا»

۲- هلاکت دشمنان حق، یکی از سنت‌های الهی است. «وَ كَمْ أَهْلَكْنَا»

۳- تاریخ آئینه‌ی عبرت است. «هَلْ تُحِسُّ... أَوْ تَسْمَعُ»

«وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»